



# راهنمای پناهندگی



عبداللہ اسدی





راهنمای پناهندگی

تهیه و تنظیم: عبدالله اسدی

چاپ دوم - اکتبر ۲۰۱۷

ویرایش: میلاد رابعی

صفحه بندی: سیامک امجدی

انتشارات: همبستگی - فدراسیون پناهندگان ایرانی

وب سایت: [www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

ایمیل: [Asadiabe@gmail.com](mailto:Asadiabe@gmail.com)

تلفن: 0046 73717178819



## فهرست مطالب

۱	یادداشتی بر چاپ دوم
۶	لمقدمه
۹	بخش اول: معرفی فدراسیون و فعالیت‌های آن
۲۵	بخش دوم: جنبه‌های حقوقی و عملی تقاضای پناهندگی
۴۹	بخش سوم: همجنسگرایان
۵۷	بخش چهارم: مکاتبات فدراسیون
۶۹	رئوس سیاست فدراسیون در مورد "بحران" پناهندگی
۷۲	فراخوان فدراسیون به پناهجویان ایرانی

## یادداشتی بر چاپ دوم

چاپ اول این کتابچه در سپتامبر سال ۲۰۱۵ منتشر شد. لازم دانستم در مقدمه چاپ دوم خیلی خلاصه نگاهی به سال ۲۰۱۶ هم بیاندازم. لازم است اشاره کنم که درست در زمانی که چاپ اول این کتاب آماده می شد موج پناهندگی به سوی اروپا آغاز شد. فدراسیون با صدور بیانیه ای رؤس اقدامات و سیاست و عملکرد خود را برای کمک و رسیدگی به امور پناهمجویان در آن دوره اعلام کرد و این بیانیه در آخرین روزهایی که این کتاب آماده چاپ میشد منتشر گردید. در این دوره، فعالیت فدراسیون بر مبنای شرایط جدید پناهندگی و رؤس این بیانیه متمرکز بوده است.

سال ۲۰۱۶، برای جهان سالی بسیار ناآرام و پرحادثه بود، سالی خونین و پراز جنگ و مرگ بود، سالی سراسر آوارگی و ویرانی برای بخش های زیادی از مردم جهان بود. سال گذشته هر لحظه گلوله ای در قلب و مغز انسانی فرو رفت و هر لحظه بمبی بر سر ساکنان يك خانه فرود آمد و هر لحظه دهها و صدها نفر مجبور به ترك خانه و محل زندگی خود شدند. اگر چه کانون این ناامنی ها عمدتاً در سوریه و عراق و افغانستان بود اما در اروپا هم شاهد این ناامنیها بودیم؛ در فرانسه و آلمان که سالها بود از این اتفاقات دور بودند در سال ۲۰۱۶ و در سوئد و انگلستان در نیمه اول سال ۲۰۱۷ تروریست های اسلامی با کامیون مردم عادی را هدف قرار دادند و ساکنین و عابران بی گناه را زیر گرفتند و به خاک و خون کشیدند. در ترکیه در طول سال گذشته در چندین عملیات جنایتکارانه در نقاط مختلف آن کشور از جمله در فرودگاه استانبول و در صف تظاهرات مردم عده زیادی جانشان را از دست دادند و بدنبال يك کودتای نافرجام، دولت اردوغان صدها نفر را کشته و زخمی کرد و دهها هزار نفر را زندانی و شمار زیادی را از کار برکنار کرد.

سال گذشته بسیاری از پناهندگان و مهاجران در راه رسیدن به اروپای مرکزی، در حوادثی مرگبار جانشان را از دست دادند، اردوگاه پناهندگان در شمال فرانسه تخلیه شد و ... بحران انسانی در سالی که گذشت یکی از



مهمترین و داغترین خبرهای جهان بود. سالی که توافق تاریخی ترکیه و اتحادیه اروپا برای متوقف کردن موج پناهندگی به نتیجه رسید و در پی آن به روی هزاران پناهجو حصار و میله های بلند مرزی کشیدند و سربازان ویژه را به کنترل مرزها اختصاص دادند بطوری که يك دفعه تمام مسیرها و محل های عبور پناهجویان یکی پس از دیگری بسته شد.

در روزهای پایانی ماه مارس ۲۰۱۶ با اجرای قوانین جدید پناهندگی هزاران کودک پناهجو به دلیل ورود غیر قانونی به کشورهای اروپایی روانه بازداشتگاه ها و اردوگاههای پناهندگی شدند و کار بجایی رسید که حتی خبرگزاری ها امکان دسترسی به پناهجویان را پیدا نمی کردند. بعد از اینکه کشورهای اروپایی کنترل مرزها را بدست گرفتند روند بازگرداندن پناهجویان غیرقانونی به ترکیه و در شروع سال ۲۰۱۷ به افغانستان شروع شد.

در اردوگاه "ایدومنی" بالغ بر ده هزار مهاجر پشت مرزهای بسته مقنونه گرفتار شدند. درگیری بین پلیس مقنونه و پناهجویان در ماه آوریل به خشونت کشیده شد و صدها نفر در این درگیری ها زخمی شدند. دریک پروسه کوتاه پرونده ایدومنی بسته شد و پناهجویان به اردوگاههای یونان منتقل شدند و آن اردوگاه بطورکامل تخلیه شد و خروج پناهجویان از یونان به اروپا به بن بست رسید و بالغ بر شصت هزار پناهجو که به قصد حفظ جان و دسترسی به يك زندگی امن تر دار و ندارشان را رها کرده بودند در بدترین و غیرقابل تحمل ترین شرایط



گرفتار شدند.

پناهجویان ایرانی از نیمه دوم سال ۲۰۱۵ تا ماههای اول سال ۲۰۱۶ تقریباً بعد از پناهجویان سوری و عراقی و افغان، گروه چهارم را تشکیل می دادند. در ماههای اول ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا گروه بزرگی از پناهجویان را اقتصادی نامید و با همین توجیه در مقدونیه مرزها را بر آنها بستند. پناهجویان ایرانی را نیز در فهرست پناهجویان اقتصادی قرار دادند. اما علیرغم این محدودیت ها درخواست پناهندگی ایرانیان در کشورهای اروپایی همچنان ادامه یافت. اتحادیه اروپا از ایجاد این مقررات در مرزهای ترکیه و مقدونیه به عنوان پیروزی خود یاد کرد. اما این هنوز "پایان بحران" پناهندگی در یک بخش از اتحادیه اروپا محسوب می شد. با بسته شدن مسیر ترکیه موج پناهندگی و قاچاق انسان از مسیر آب های مدیترانه و سواحل لیبی اوج تازه تری گرفت، بطوری که جهان شاهد مرگبارترین سال برای مهاجران و پناهجویان در آبهای مدیترانه بود. بر طبق آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل پنج هزار نفر در راه رسیدن به اروپا غرق شدند. هرچند تعداد مهاجران و پناهجویان در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال قبل بدلیل سختگیرانه شدن در مسیرهای ورود به اتحادیه اروپا بشدت کاهش پیدا کرده بود.

در روزهای پایانی سال ۲۰۱۶ در منطقه دیگری از اروپا اردوگاه پناهجویان در بندر کاله معروف به اردوگاه جنگل نیز برچیده شد. این اردوگاه که در شمال فرانسه و در مسیر رفتن به بریتانیا قرار داشت سالها بود به





محلی برای زندگی موقت پناهجویان جهت ورود به بریتانیا تبدیل شده بود. بر طبق گزارش بسیاری از خبرگزاری ها، هنگام تخلیه اردوگاه کاله در حدود ده هزار مهاجر و پناهجو در آن زندگی می کردند. شمار زیادی از ساکنان این اردوگاه را کودکان پناهجوی بدون سرپرست تشکیل می دادند و در انتظار فرصتی برای رفتن به بریتانیا بودند. این اردوگاه ابتدا برچیده شد و بعد با بلذر تخریب و به آتش کشیده شد بطوری که اکنون هیچ اثری از آن باقی نمانده است و معلوم نیست بر سر ساکنان این اردوگاه چه آمده است!

در سال ۲۰۱۶ دولت سوئد سختگیرانه ترین سیاست پناهنده پذیری را به اجرا گذاشت. با همکاری دانمارک و آلمان مرزهای آبی و زمینی را به روی پناهجویان بستند، دستور اخراج و بازگرداندن هزاران پناهجو که به درخواست پناهندگیشان پاسخ منفی دریافت کرده بودند صادر کرد علاوه بر این رسیدگی به وضعیت بیش از ۱۶۲ هزار پناهجوی جدید همچنان بعنوان یک موضوع داغ در سوئد در صدر اخبار این کشور باقی ماند. مهمتر از اینها دولت سوئد برای سه سال در سیاست پناهندگی خود تغییرات بنیادی ایجاد کرد. این تغییرات از ماه ژوئن سال ۲۰۱۶ به اجرا گذاشته شد و از آن به بعد سیاست پناهنده پذیری سوئد برای متقاضیان پناهندگی به شرح زیر درجه بندی شد:

برای پناهجویانی که دارای دلایل سیاسی و در خطر جانی باشند، اقامت سه ساله داده می شود و برای آنهایی که نیاز به حمایت دارند اقامت ۱۳ ماهه موقت در نظر گرفته می شود. اما بعد از پایان این مهلت دلایل

پناهندگی هر فرد دوباره مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورتی که تشخیص دهند هنگام بازگشت به کشورشان با خطرات جانی مواجه می‌شوند اقامت موقت به اقامت دائم برای آنها تبدیل می‌گردد. علاوه بر این، مهلت برای ازدواجی‌ها از ۹ ماه به دوسال افزایش یافت، بدین معنا شرایطی برای آنهاست که از طریق پیوند خانوادگی اقامت می‌گرفتند بسیار پیچیده و دشوار شده است.

در روزهای پایانی ماه ژانویه ۲۰۱۷ با فرمان ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا صدور ویزا برای اتباع ۷ کشور جهان به آمریکا متوقف شد و صدها هزار نفر را گرفتار کرد. اما مراجع قضایی آمریکا از نظر حقوقی فرمان ترامپ را رد کردند و آن را خلاف قانون اساسی آمریکا خواندند و موقتا موفق به لغو این فرمان شدند. در پی فرمان ترامپ وزارت خارجه آمریکا ویزای ۶۰ هزار نفر از اتباع این هفت کشور را باطل کرد.

در پیش‌نویس فرمان مهاجرتی جدید ترامپ آمده است که وزارت خارجه و وزارت امنیت داخلی آمریکا این اختیار را دارند که کشورهای دیگری را نیز به فهرست این هفت کشور اضافه کنند. قرار است وزارت خارجه آمریکا سیاست و مقررات پذیرش پناهنجویان را برای ورود به آمریکا بار دیگر بازنگری کند.

ورود پناهنجویان از سوریه به خاک آمریکا نیز در حال حاضر بطور کلی متوقف شده است. بر اساس فرمان جدید ترامپ به وزارت خارجه آمریکا اختیار داده می‌شود تا در فکر طرحی برای ایجاد "مناطق امن" در داخل خاک سوریه برای پناهنجویان باشند. از وزارت امنیت داخلی آمریکا نیز خواسته شده تا به سرعت يك سامانه بیومتریک (بررسی و شناسایی دقیق هویت افراد) را برای ورود به آمریکا برقرار کند.

سال ۲۰۱۶ میلادی با سیاست‌های سختگیرانه تری در قبال مهاجران به پایان رسید. سالی بسیار تلخ و دشوار و غم‌انگیز برای میلیون‌ها نفر از مردم جهان بود. امیدوارم روندهای سال ۲۰۱۷ در جهت تعالی و سعادت مردم ایران و همه مردم جهان سپری شود.

## مقدمه

اشخاصی که از کشورهای اروپایی و کانادا، استرالیا و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان درخواست پناهندگی می‌کنند لازم است ابتدا با روش‌های پرسش و پاسخ کارمندان دولت و وکلای کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان آشنایی پیدا کنند و خود را برای پاسخگویی به سؤالات آن‌ها آماده نمایند. زمانی که شما به عنوان پناهجو درخواست پناهندگی می‌کنید می‌بایست به شماری از سؤالاتی که کارمندان دولت از شما می‌پرسند، پاسخ دهید. این پرسش‌ها عمدتاً درباره گذشته متقاضیان پناهندگی، خانواده و نزدیکان آن‌ها و در مجموع ماجراها و دلایل متقاضیان پناهندگی است. شما به عنوان متقاضی پناهندگی نباید فراموش کنید که همه آنچه در تصمیم‌گیری نهایی وزارتخانه‌ها و ادارات امور پناهندگی اهمیت دارد آن است که به پرسش‌های آن‌ها پاسخ درست بدهید. بسیار مهم است که اجازه ندهید از آنچه که می‌خواهید به عنوان دلایل پناهندگی بیان کنید چیزی فراموش شود یا ناگفته بماند. متأسفانه بسیاری از متقاضیان پناهندگی به دلیل عدم اطلاعات کافی حرفه‌ایی که در ابتدا باید بزنند وقتی می‌زنند که کار از کار گذشته است.

در این جزوه تلاش زیادی به عمل آمده تا تصویر نسبتاً روشنی از آنچه که کارمندان دولت در زمینهای مختلف از متقاضیان پناهندگی می‌پرسند پاسخ بدهم. توجه داشته باشید که شماره بندی سؤالات نشان دهنده درجه اهمیت آن‌ها نیست. آنچه شما به عنوان پناهنده باید به آن دقت کنید این است که داستان زندگی خود را آن گونه که لازم است توضیح دهید و به هم وصل کنید. تلاش کنید که آنچه را که تعریف می‌کنید از روی نظم و ترتیب زمانی باشد تا برای کارمندان دولت و وکلای پناهندگی قابل فهم باشد. ترجیحاً آنچه می‌خواهید به عنوان دلایل پناهندگی خود مطرح کنید از قبل بنویسید تا چارچوب دلایل و توضیحاتتان برای خود و برای وکلا و مسئولین پرونده روشن و قابل فهم باشد.

هرقدر متقاضیان پناهندگی در مصاحبه با کارمندان دولت و وکلای سازمان ملل، پراکنده و بدون ترتیب

دلایل خود را بازگو کنند، امکان به وجود آمدن سوءتفاهم برای وزارتخانه‌ها و مقامات امور پناهندگی بیشتر خواهد شد؛ و درنهایت این شما هستید که ممکن است پاسخ منفی دریافت کنید و مجبور به ترک کشور شوید. شما به عنوان متقاضی پناهندگی باید برای کسب حق پناهندگی خود در کشورهای پناهنده پذیر قبل از اعلام پناهندگی روی سؤالاتی که از شما می پرسند کار کرده باشید تا از هر نظر برای روز مصاحبه و یا شرکت در دادگاههای مهاجرتی آماده باشید. نکاتی که در این جزوه به آن پرداخته می شود اصلی ترین و مهم ترین سؤالاتی است که از شما به عنوان پناهنده در دادگاهها، ادارات مهاجرت و یا پلیسهای مرزی و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان می پرسند.

یک جنبه مهم که متقاضیان پناهندگی ایرانی در طول شروع سرکوبهای خونین پس از انقلاب ۵۷ با آن مواجه بوده اند تلاش و مبارزه آن‌ها در خارج از مرزهای ایران علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و مقابله با سیاستهای سخت پناهنده پذیری کمیساریای عالی سازمان ملل و دولت‌های غربی بوده است. مبارزه متقاضیان پناهندگی با تشکیل فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی (همبستگی) در سال ۸۹ میلادی به عنوان ظرف مبارزه آن‌ها شکل جدید و متشکل تری به خود گرفت. امروز که به این تاریخ و به این مبارزه نگاه می کنیم بعد از پشت سر گذاشتن این همه سال هنوز که هنوز است ضرورت مبارزه سازمان یافته برای دفاع از حقوق پناهندگی نه تنها کمتر نشده بلکه از هر دوره ای بیشتر شده است؛ چراکه از مقطع ظهور طالبان و ۱۱ سپتامبر و حملات القاعده به ساختمان‌های مرکز تجارت جهانی در آمریکا و پس از پایان جنگ سرد و دنیای دوقطبی این بار با ظهور طالبان و سرشاخ شدن اسلام سیاسی با آمریکا و دولت های غربی معادلات جهان عوض شد و در بسیاری از مناطق دنیا جنگ و ناامنی دامنه بیشتری پیدا کرد. به طوری که شرایط پناهندگی برای افرادی که از شمال آفریقا و خاورمیانه وارد می شدند بسیار سخت و خسته کننده شده بود. کار بجای رسید ضرورت دفاع از سند مبانی پذیرش پناهندگی مصوب سال ۱۹۵۱ از هر دوره ای از زمان بیشتر شد.

شما به عنوان متقاضی پناهندگی همچنان باید دلایل پناهندگی خود را بر مبنای سند کنوانسیون ژنو تنظیم کرده و به مقامات مسئول ارائه دهید. برای ارائه دلایل پناهندگی، جدا از جنبه‌های حقوقی که لازم است با آن آشنایی کامل داشته باشید، باید بدانید که مبارزه برای گرفتن حقوق پناهندگی و شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی یک امر مهم و ضروری برای پناهندگان ایرانی است. اگرچه مراجع پناهنده پذیر به هر درخواست پناهندگی بطور شخصی رسیدگی میکنند، اما اگر مبارزه متشکل در جریان نباشد درصد جواب های ردی بالا می رود، زمان پاسخ به پروندهها طولانی تر می شود و بازداشت و اخراج پناهجویان به

شدت افزایش پیدا می کند و هزینهها و امکانات رفاهی نه تنها افزایش پیدا نمی کند بلکه یکی پس از دیگری کاهش پیدا می کند و یا بطورکلی قطع می شود و خشونت‌های راسیستی علیه پناهندگان بیشتر می شود. با این مقدمه در ابتدا به طور مختصر نگاهی می‌اندازم به تاریخچه و کارکرد فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در زمینه‌های مختلف مبارزه برای دفاع از حقوق پناهندگی و در بخش‌های بعدی نیز به جنبه‌های مختلف حقوقی و عملی و اطلاعاتی و فرهنگی و اجتماعی نیز می‌پردازم. \*



## بخش اول: معرفی فدراسیون و فعالیتهای آن

**سؤال:** اگر بخواهید خیلی کوتاه این سازمان را به یک متقاضی پناهندگی معرفی کنید آن را چگونه توضیح می‌دهید؟ فکر می‌کنید پیوستن پناهجویان به فدراسیون چه ضرورتی دارد؟

**عبدالله اسدی:** فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی که من در آن فعالیت می‌کنم اساساً برای دفاع از حقوق انسانی کسانی تشکیل شده است که از ۳۴ سال پیش تا به امروز به دلیل اختناق سیاسی و شرایط غیرقابل تحمل اجتماعی دسته دسته باهدف دسترسی به یک زندگی بهتر و حفظ جان خود از ایران خارج می‌شوند. فدراسیون برای کمک به ایجاد تغییر در زندگی پناهجویان تشکیل شده است. ایده تشکیل این سازمان ابتدا از طریق منصور حکمت باهدف یاری رساندن به آوارگان و پناهندگان ایرانی مطرح شد. شرایط دشوار پناهندگان ایرانی و نیازهای متعدد اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آنها، زمینه و ضرورت تشکیل سازمانی را با این مشخصات و در این ابعاد کاملاً فراهم کرده بود. در ۲۰ ژوئیه سال ۱۹۸۹ بیانیه هیئت مؤسس فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی صادر شد و به این ترتیب در مدت کوتاهی ملزومات تشکیل کنگره مؤسس فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی آماده شد. غلام کشاورز یکی از اعضای هیئت مؤسس و اولین سخنگوی فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی بود که متأسفانه در ۲۶ اوت ۱۹۸۹ در شهر لارناکای قبرس در مقابل چشمان خانواده و بستگانش هدف گلوله تروریستهای جمهوری اسلامی قرار گرفت و به قتل رسید.

پناهندگان و آوارگان ایرانی در آن مقطع یکی از مهم ترین و محبوب ترین حامیان خود را از دست دادند. غلام کشاورز نماینده و حامی پناهجویانی بود که هنگام درخواست پناهندگی در کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و در کشورهای غربی دارای کمترین اطلاعات در مورد روند پناهندگی خود نبودند و نمی‌دانستند در پروسه پناهندگی چه بلایی بر سرشان می‌آید. پس از غلام کشاورز، به ترتیب فرهاد بشارت، ثریا شهبابی، مریم نمازی، مینا احلی و فرشاد حسینی از مسئولین وقت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و دهها نفر دیگر که هم اکنون بسیاری از آنها در عرصه‌های دیگری به فعالیت سیاسی و اجتماعی مشغول هستند اعضای رهبری این فدراسیون را تشکیل می‌دادند و هرکدام از آنها در دوره خود تأثیرات تعیین کننده و بسیار مثبتی بر روند زندگی پناهندگان و آوارگان ایرانی گذاشتند. خود من نیز از سال ۹۱ میلادی در ترکیه با این سازمان آشنا شدم و پس از چند ماه زندگی در ترکیه به عنوان دبیر فدراسیون در آن کشور انتخاب شدم و از آن موقع تا به حال در این سازمان و در موقعیتهای مختلفی در دفاع از حقوق پناهندگان فعالیت داشته‌ام و



از سال ۲۰۰۷ نیز بعنوان دبیر سراسری فدراسیون فعالیت میکنم. فدراسیون چراغ راهنمای پناهجویان است و به آن‌ها راه رسیدن به یک زندگی بهتر را نشان می‌دهد. پناهجویان را با حق و حقوق پناهندگی آشنا می‌کند و چگونگی دسترسی به حق پناهندگی را برای آن‌ها توضیح می‌دهد و پناهجویان را به مبارزه و راه و روش درست برای گرفتن حق و حقوق خود دعوت می‌کند.

فدراسیون ۲۸ سال پیش یعنی در سال ۱۹۸۹ میلادی باهدف کمک به مردمانی تشکیل شد که کرورکرور از ترس جان و زندگی‌شان از ایران خارج می‌شدند و راهی کشورهای هم جوار ایران و کشورهای غربی می‌شدند. ( فدراسیون در طول مدت فعالیت خود تعداد زیادی از پناهندگان در کشورهای مختلف را از خطر دیپورت به ایران نجات داده است )، پناهجویان را با قانون و مقررات پناهندگی آشنا می‌کند و به ظرف بسیار مهمی برای مبارزه آن‌ها تبدیل شده است. فدراسیون سازمانی است که از زمان تشکیل آن تا به امروز از حق پناهندگی پناهجویان، بدون در نظر گرفتن باور سیاسی و تعلقات مذهبی و ملی و جنسی و نژادی، از امنیت و آسایششان به عنوان انسان دفاع کرده است، در دفاع از پرونده فردی بسیاری از پناهجویانی که استیناف می‌خورند به ادارات پناهندگی و وزارتخانه‌ها نامه می‌نویسد، علیه سختگیری دولت‌ها و عدم پذیرش پناهجویان کمپین سازمان می‌دهد، تظاهرات و تحصن و اعتراضات خیابانی سازمان می‌دهد، اطلاعیه صادر می‌کند، به پناهجویان مشاوره حقوقی می‌دهد، در میان وکلای پناهندگی بهترین‌ها را به پناهجویان معرفی و توصیه می‌کند.



پناهجویانی که از ابتدا در کنار فدراسیون قرار می‌گیرند و از توصیه‌ها و رهنمودهای این سازمان استفاده می‌کنند هم زودتر وارد جامعه می‌شوند و هم به دلیل روابط وسیعی که فدراسیون در هر شهر و کشوری که به وجود آورده است سریعتر کار پیدا می‌کنند، خانه پیدا می‌کنند و شاید مهم‌تر از همه با پناهجویان ایرانی و همشهری خود آشنا می‌شوند و از تجربیات زیادی که برای اداره زندگی خود به دست آورده‌اند استفاده می‌کنند. از این طریق تجربه کسب می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه راحت‌تر زبان بیاموزند و به کلاس زبان بروند. شماره تلفن رد و بدل می‌کنند، خبر جلسات و اعتراضات و تحولات جدید پناهندگی را به یکدیگر خبر می‌دهند؛ از این طریق از سیاست و قوانین و مقررات جدید پناهندگی باخبر می‌شوند، پناهجویان جدید را با مسئولین و دفاتر و پاتوق‌های فدراسیون آشنا می‌کنند؛ در کنار فدراسیون قرار می‌گیرند تا به راه حل مبارزه برای گرفتن حق پناهندگی دست پیدا کنند. در کنار فدراسیون با سایت و نشریه همبستگی آشنایی پیدا می‌کنند و متوجه می‌شوند چه امکاناتی دارند و چه تسهیلات و خدماتی را می‌توانند به دست بیاورند.

زمانی که پناهجویان در کنار فدراسیون قرار می‌گیرند متوجه می‌شوند آن‌هایی که از قبل با فدراسیون آشنا شده‌اند عکس و مطالب و نوشته‌ها و داستان‌های زندگی‌شان در سایت و در نشریه همبستگی منتشر شده و این نشریه به یک ابزار مهم مبارزه برای پناهجویان تبدیل شده است. پناهجویانی که در کنار فدراسیون قرار می‌گیرند، در جلسات هفتگی شرکت میکنند و به مهم‌ترین اطلاعات پناهندگی دست پیدا می‌کنند.





پناهجویان در طول آشنایی با فدراسیون متوجه می شوند که این امکان برای آنها نیز فراهم است تا به عضویت این نهاد مدافع حقوق خودشان دربیایند و اتحاد و انسجام بیشتری به کار و فعالیت خود بدهند. (عضویت در فدراسیون ساده است کافی است شما تقاضای عضویت کنید و سالانه معادل ۲۰۰ کرون سوئد بعنوان حق عضویت بپردازید)

فدراسیون سازمانی است که مبارزه پناهجویان را به جنبش های مدافع حقوق پناهندگی در همان کشور محل تقاضای پناهندگی پیوند می دهد و از خواستها و مطالبات پناهجویان برای فراهم کردن يك شرایط انسانی تر دفاع می کند.

### سؤال: بیشتر ضرورت و اهمیت پیوستن

پناهجویان به فدراسیون را توضیح دادید، اگر ممکن است در این بخش نیز به چند نمونه از فعالیت های مهم فدراسیون در دفاع از حقوق پناهجویان در طول این سال ها اشاره کنید.

**عبدالله اسدی:** نمونهها و فاکت های زیادی از فعالیتهای فدراسیون وجود دارد که بر روند زندگی پناهجویان تأثیرات مهم و تعیین کنندهای داشته است؛ برای مثال فدراسیون در زمستان سال ۱۹۹۲ از تحویل ۱۰۶ پناهجوی سیاسی که قرار بود از سوی دولت ترکیه به ایران صورت گیرد جلوگیری کرد. در تابستان همان سال کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان به درخواست ۱۱۰ پناهنده ایرانی که از طریق خاک عراق وارد ترکیه شده بودند پاسخ منفی داد و در صدد بود آنها را به وسیله پلیس ترکیه به شمال عراق بازگرداند. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی کمپینی را باهدف ممانعت از بازگرداندن آنها به شمال عراق و باهدف پذیرش پناهندگی آنها از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل هدایت و رهبری کرد و آن را به نتیجه مثبت رساند.



تلاش و مبارزه و نشست‌های پی در پی فعالین وقت فدراسیون و مراجعه به سازمان‌های مدافع حقوق انسان و مدافع حقوق پناهندگان و اتحادیه‌ها و سازمان‌های کارگری و نهایتاً اعلام تظاهرات در مقابل دفتر UN آنکارا، موجب قبولی همه آنها شد. در آن تظاهرات که در ماه مه سال ۱۹۹۲ برگزار شد هیئتی از فعالین وقت فدراسیون برای گفتگو با مسئولین UN از جانب تظاهرکنندگان وارد دفتر این سازمان شدند. UN برای پاسخ مثبت به تظاهرکنندگان از قبل خود را آماده کرده بود و منتظر این بود تا ببیند تظاهراتی که اعلام شده است چقدر برای کسب خواسته‌هایی که اعلام کرده است جدی و مصمم است. در روز اعلام تظاهرات نیم ساعت طول نکشید لیست قبولی تمام ۱۱۰ نفر را به نمایندگان فدراسیون تحویل دادند و در میان هلهله و شادی پناهجویان نتیجه کمپین و اسامی قبول شدگان را در همان جا اعلام کردیم. هدایت و رهبری تحصن ۷۰ پناهجوی ایرانی و جلب حمایت بین‌المللی از آنها در ماه‌های مارس و آوریل سال ۱۹۹۶ در ترکیه نمونه دیگری از فعالیت‌های فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در آن کشور بود. این سه حرکت مهم فدراسیون در ترکیه در سال‌های اول شروع کار این سازمان بود. فدراسیون تا به حال در ترکیه و در بسیاری از دیگر کشورهای جهان در پرونده فردی هزاران پناهجو که با مشکلات فراوان مواجه شده بودند دخالت کرده و آنها را از شرایط و زندگی اسارت بار پناهندگی نجات داده است.

سال ۲۰۰۵ در سوئد جنبش دفاع از اجازه اقامت برای هزاران پناهجوی مخفی با خواست عفو عمومی برای پناهجویانی که مجبور به زندگی مخفی شده بودند به میدان آمد که در اثر آن بیش از ۱۷ هزار نفر اجازه اقامت دریافت کردند. فدراسیون یکی از سازمان‌های تأثیرگذار و پر قدرت این جنبش در آن دوران بود و اولین سازمانی



بود که این مبارزه را برای نجات هزاران پناهنجوی مخفی شروع کرد. همین جنبش در اوایل سال ۲۰۱۳ در مقابل طرح وسیع پلیس و اداره مهاجرت سوئد برای دستگیری و اخراج هزاران پناهنجوی بدون مدرک و پرونده بسته قد علم کرد و پلیس را مجبور به عقب نشینی و پس گرفتن طرح کنترل و شناسایی پناهنجویان در متروها و ایستگاههای اتوبوس و مراکز عمومی شهرها کرد. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی نقش بسیار مهمی در این مبارزات ایفا کرد.

در ماه مارس سال ۲۰۱۲ در آلمان و در ورتسبورگ در استان بایرن مبارزات مهمی در دفاع از حق پناهندگی پناهنجویانی که سالها بود در بلا تکلیفی بسر می بردند صورت گرفت و به یک کارزار بزرگ علیه دولت آلمان و برای دفاع از حقوق پناهنجویان تبدیل شد. از آن زمان تا به حال رسیدگی به وضعیت پناهنجویان بهتر شده، کمک هزینه آن ها افزایش یافته، محدودیت تردد در بعضی از استانها کمتر شده و پناهنجویان بیشتری در فاصله زمانی کمتری اقامت می گیرند. سازمان دهندگان اصلی پیشبرد این مبارزه، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به همراه ۹ پناهنجوی متخصص ایرانی بودند.

## یونان

سال ۲۰۱۰ شماری از پناهنجویان ایرانی در یونان برای کسب حق پناهندگی خود دست به تحصن و اعتصاب



غذای طولانی زدند. فدراسیون در آن هنگام به یاری آنها شتافت و برای جلب حمایت بین‌المللی و داخلی از آنها کمپین گسترده‌ای سازمان داد و تا نتیجه نهائی، صدای اعتراض آنها را به دنیا منعکس و علیه دولت یونان به دادگاه اروپا شکایت کرد. در پی شکایت فدراسیون از دولت یونان و اعتراضات گسترده پناهجویان به نقض حقوق پناهندگی در آن کشور در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، دادگاه اروپا مجبور شد کشور یونان را از مقررات دابلین خارج کند. از آن موقع تاکنون هیچ پناهجویی را برطبق مقررات دابلین به یونان برنمی‌گردانند.

## روش های درست مبارزه برای دفاع از حقوق پناهندگی

فعالیت و مبارزه فدراسیون در طول این سالها در این زمینه بسیار انسانی و متمدنانه بوده است. برای نمونه فدراسیون در طول تاریخ فعالیتش در سخت ترین شرایط و حتی در زمانی که پناهجویان در بازداشتگاه‌ها نگاهداری می‌شدند و در خطر فوری دیپورت قرار می‌گرفتند، کسی را به خود زنی و اعتصاب غذا و لب‌دوژی تشویق نکرده و همچنان نخواهد کرد. چیزی که در فرهنگ سیاسی و سنت‌های کار اجتماعی جریانات فرقه‌ای به وفور دیده می‌شد. برعکس فدراسیون آنها را به مقاومت جمعی و فردی در فرودگاهها و مصاحبه با رسانهها و دعوت مردم به اعتراض و جلب حمایت سازمانها و نهادهای مدافع حقوق پناهندگی تشویق کرده و در بسیاری از موارد با گرفتن وکیل و انجام اقدامات حقوقی برای آنها، از دیپورت پناهجویان به ایران جلوگیری کرده و این نوع فعالیت‌ها همچنان ادامه دارد.

شرایط سخت زندگی پناهجویان و زمان انتظار طولانی و خسته‌کننده و پاسخ‌های منفی پی در پی ادارات رسیدگی به پرونده پناهجویان و بازداشت‌های طولانی مدت، پناه بردن پناهجویان به زندگی مخفی و غیر قانونی، قطع کمک هزینه از آنها، بیکاری و وضعیت بد اقتصادی و دهها مشکل اجتماعی دیگر، از جمله



محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی هستند که باید برای هر متقاضی پناهندگی قابل پیش‌بینی باشد. آشنایی درست با قوانین و مقررات و معیارهای پناهندگی یک شرط اساسی برای موفقیت هر متقاضی پناهندگی است. هر متقاضی پناهندگی لازم است با روش‌ها و راه‌حل‌های دفاع از حقوق پناهندگی خود آشنا باشد. اعتصاب غذا و لب‌دوزی و خودآزاری نه انسانی است و نه راه‌حل درستی برای دفاع از حقوق پناهندگی است. پناهجویان هم مثل هر قشر اجتماعی دیگری باید دارای ظرفی برای مبارزه خود باشند همانطور که اتحادیه و سندیکا و شوراهای کارگری برای مبارزه جمعی کارگران مهم است، وجود سازمانی مثل فدراسیون برای دفاع از حقوق پناهندگان هم حیاتی و کارساز است. پناهجویان در هر کجای دنیا که باشند و به هر باور سیاسی و مذهبی و نژادی و گرایش جنسی تعلق داشته باشند باید از حق و حقوق پناهندگی و حقوق شهروندی و برابر برخوردار باشند.

بعنوان کسی که سالهاست فعال عرصه مبارزه برای حقوق پناهندگی هستم، ضرورت وجود سازمانی مثل فدراسیون برای پناهندگان ایرانی را از هر دوره‌ای بیشتر می‌بینم. فدراسیون در این سالها ظرف بسیار مهمی برای مبارزه پناهجویان بوده و نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت آنها و آشنایی و دستیابی آنها به حقوق اولیه خود داشته است. فدراسیون به جای دل‌دادن به اعتصاب غذا و خودآزاری، پناهجویان را به متشکل شدن، متحد شدن، اعتراض و تظاهرات و تحصن و همراه کردن مردم انساندوست با خود دعوت می‌کند. به آنها توصیه می‌کند هر جا که ممکن است با رسانه‌های عمومی مصاحبه کنند و اعلام کنند که بدلیل



تحمیل بی حقوقی و سرکوب و اختناق سیاسی و نقض حقوق بشر و بدلیل وجود سیستم قضائی ظالمانه و محاکمات غیر عادلانه در ایران فرار کرده اند. اعلام کنند که متهمین در ایران به طرز وحشیانه زندانی میشوند و مورد شکنجه قرار می گیرند و یا به جوخه اعدام سپرده می شوند. متقاضیان پناهندگی باید همه جا بگویند و اعلام کنند بیش از سه دهه است کشور ایران به زندانی بزرگ برای روزنامه نگاران و پیروان مذاهب غیر رسمی و همجنسگرایان تبدیل شده است. همه جا اعلام کنند که بدلیل تحمیل بی حقوقی به زنان و فعالین کارگری و دانشجویی و سرکوب آزادی های فرهنگی و اجتماعی کشور خود را ترک کرده اند. از نظر فدراسیون اعتصاب غذا روش موثری برای برون رفت از شرایط سخت پناهندگی نیست. اعتصاب غذا افقی برای

موفقیت ندارد، راهی برای جلب همبستگی و تشویق به مبارزه نیست، امیددهنده نیست چیزی که هر مبارزه ای برای پیروزی به آن نیاز دارد. ایجاد حس ترحم است نه تشویق به متشکل شدن، راه پیدا کردن، کمپین کردن، مردم پیشرو را به کمک طلبیدن. این سنت بازمانده سنت های عقب مانده در برخی کشورها است و باید آنرا به تاریخ سپرد و راههای مدرن، تشویق کننده، افق دهنده، موثر و راهگشا را در دستور گذاشت.

وجود روحیه مبارزه جمعی و سازمان یافته و حضور فعال پناهجویان و مهاجرین در مبارزه علیه تبعیض و خارجی ستیزی و نژاد پرستی و دفاع از حق پناهندگی و مبارزه برای حقوق برابر و شهروندی کمک می کند جوانان ایرانی از تنهایی و حاشیه نشینی و پیوستن به گروه های بزهکار و گنگ های ضد اروپایی دوری گیرند.

**سؤال:** بعضی اوقات هنگامی که بحث کمک به پناهجویان به میان می آید حتی کسانی که مدت ها خودشان در عرصه کمک به متقاضیان پناهندگی فعال بوده اند روی خود را بر می گردانند و تنها به



عنوان تجربه ای تلخ از آن یاد می کنند. قضاوت شما در این مورد چیست؟

**عبدالله اسدی:** فعالیت در عرصه دفاع از حقوق پناهندگی تجارب تلخ و شیرین زیادی به همراه دارد، اما فدراسیون این طور قضاوت نمی کند؛ اگر ما قدرت کافی داشتیم اجازه نمی دادیم يك متقاضی پناهندگی حتی برای يك ماه منتظر صدور اجازه اقامت بماند. اجازه نمی دادیم هیچ پناهجویی به دلیل عبور "غیرقانونی" از مرز، حتی به مدت يك شب بازداشت شود. اجازه نمی دادیم کودکان پناهجو سالها به دور از والدینشان زندگی کنند. پناهجویان هم مثل سایر مردم دنیا حق آسایش و زندگی انسانی دارند و با همین انگیزه کشور خود را ترك و از کشور دیگری تقاضای پناهندگی می کنند. آنها محل زندگی خود را برای يك زندگی بهتر و حتی در بسیاری از موارد برای حفظ بقاء و ادامه حیات محل زندگی خود را ترك می کنند؛ بنابراین اساس کار ما دفاع از حقوق انسان و جلوگیری از نقض حقوق و ارزش های انسانی است. نباید اجازه بدهیم انسانها مستقل از اینکه به چه آیین و مذهبی منتسب می شوند و دارای کدام باور سیاسی و گرایش جنسی هستند حقوق انسانی شان پایمال شود. آنهایی که اینطور در مورد پناهجویان قضاوت می کنند، از دریچهای کوچک و محدودنگرانه به این موضوع نگاه می کنند.

**سؤال:** برداشت و تلقی شما از این موضوع چیست؟

**عبدالله اسدی:** واضح است همانطور که در میان مردم بومی يك کشور آدمها دارای رفتار و فرهنگ و



اخلاقیات متفاوتی هستند در میان انسان‌هایی که به هر دلیلی آواره و خانه به دوش شده‌اند و آنها را پناهجو می‌نامند نیز رفتار و فرهنگ و اخلاقیات متفاوت وجود دارد. این نوع قضاوتها در میان بخش‌های کوچکی از مردم همیشه وجود دارد و تمامی هم ندارد. شخصاً به دلیل شناخت و پیشینه طولانی که در فراسیون و در دفاع از حقوق پناهجویان داشتیم بارها با این بحث‌ها مواجه بوده‌ام برای مثال مطرح می‌کنند: اینها دروغ می‌گویند، هیچ مشکلی در ایران نداشته‌اند، مهر اقامتشان خشک نشده برمی‌گردند به ایران و یا همین که خورشان از پل گذشت می‌روند و پشت سرشان را هم نگاه نمی‌کنند. این تلقی‌ها همیشه در افکار و رفتار بخشی از مردم وجود داشته است. ولی در عوض همیشه مردم زیادی هستند که حس انساندوستی و افکار پیشرو و برابری طلبانه دارند و باید در هر مبارزه‌ای قبل از هر چیز به آنها متکی شد. فراسیون همیشه مبشر ارتقای فرهنگ مدرن، نوع دوستی و انسانی و برابری طلبانه در میان پناهجویان و ایرانیان خارج از کشور بوده است و عامل اصلی این بحث‌ها را نابسامانی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، بیکاری و سرکوب و اختناق سیاسی در ایران می‌داند و باید همین‌ها را به مردم توضیح داد. جامع‌های که قوانین و سیستم قضایی‌اش بر مبنای شریعت اسلام و آیه‌های آسمانی پایه‌گذاری شده باشد به شکل گیری و رواج چنین فرهنگی هم کمک می‌کند و بر بخش‌هایی از افکار عمومی تاثیرات منفی می‌گذارد.

من در سازمانی فعالیت می‌کنم که از ۲۸ سال پیش تا به امروز به پهنای جهان از حقوق پناهجویان ایرانی بدون قید و شرط دفاع کرده است. روزانه شمار زیادی از متقاضیان پناهندگی از ایران به فراسیون مراجعه می‌





کنند. می خواهند بدانند چگونه با به عرصه پناهندگی بگذارند و از کجا باید شروع کنند، شرایط پذیرش پناهندگان به چه صورت است، کودکان آنها در طول مدت انتظار از چه حقوق و مزایایی برخوردارند، چه مدارکی باید با خود داشته باشند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند؟ اینها و دهها مسئله دیگر هر روزه روی میز فعالین فدراسیون قرار می گیرد و در حد توان به آنها پاسخ داده می شود. در بسیاری از موارد از طریق برگزاری جلسات با پناهجویان و با دعوت از وکلا و کارشناسان امور پناهندگی، پناهجویان را با جنبه‌های حقوقی و معیارهای پذیرش پناهندگان و راه و روش مبارزه برای گرفتن حق و حقوق پناهندگی شان آشنا می کنیم و یا خود به آنها مشاوره حقوقی می دهیم و آنها را برای شرکت در دادگاه‌های مهاجرتی و مصاحبه در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و وزارتخانه‌ها و ادارات مربوط به امور پناهندگی آماده می کنیم. در بخش‌های آخر این جزوه نیز به چند نمونه از ده‌ها و صدها نمونه از نامه به ادارات و نهادهای دولتی اشاره خواهیم کرد.

**سؤال:** در معرفی فدراسیون، به نمونه‌ها و فاکت‌های متعددی از فعالیت‌ها و نقش این سازمان در طول سالیان گذشته در دفاع از حقوق پناهندگان پرداختید. برای کسانی که تازه با فدراسیون آشنا می‌شوند چه نکات دیگری را حائز اهمیت میدانید؟

**عبدالله اسدی:** در این قسمت که بخش پایانی معرفی فدراسیون خواهد بود دوست دارم به جنبه‌های دیگری از وظایف، سیاست‌ها، سنت‌ها و خصلت‌های فعالیت فدراسیون به طور مختصر اشاره کنم.



فدراسیون همیشه پناهجویان را برای دفاع از حقوق پناهندگی شان به مبارزه متشکل و سازمان یافته و عضویت در فدراسیون و شکل دادن به واحدهای فدراسیون دعوت کرده است؛ اما هیچ وقت دفاع از حقوق پناهندگی هیچ متقاضی پناهندگی را منوط به عضویت و فعالیت سازمانی نکرده ایم. فلسفه فعالیت در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تغییر در زندگی انسانهایی است که به دلیل جنگ و ناامنی و اختناق و سرکوب سیاسی، جان و آرزایشان به مخاطره می افتد و مجبور به ترک کشور و محل زندگی خود می شوند. همانطور که قبلاً اشاره کردم اعتراض جمعی و گرد آمدن در یک تشکل مدافع حقوق پناهندگی مانند فدراسیون بسیار ضروری است.

پناهجویان در همه جای دنیا جزء ضعیف ترین اقشار جامعه محسوب می شوند. متأسفانه هنوز قوانین و مقررات و معیارهایی وجود دارد که بر طبق آنها تنها شرایط سخت زندگی و بی حقوقی اجتماعی کافی نیست تا به کسی در کشور دیگری اجازه اقامت بدهند. پرونده هر پناهجو در مراجع پناهنده پذیر مستقر از اینکه از کدام کشور آمده باشند و چه بلایی به سر خود و خانواده و بستگان و اطرافیانش آمده باشد به طور فردی بررسی می شود و هر وقت به تقاضای پناهندگی پاسخ منفی بدهند به طور فردی نیز دست و پایش را می بندند، سوار هواپیمایش می کنند و به جهنمی که از آن آمده است برمی گردانند. اهمیت تشکلی مثل فدراسیون برای پناهندگان و مهاجرین در همین جاست؛ وقتی که دارای یک تشکل قوی باشند و از امکانات و ابزارهای بیشتری برخوردار باشند درجه امنیت و آرامش آنها بیشتر می شود و از خدمات و مشاوره های حقوقی و



بسیاری از کمک‌های دیگر در زمینه‌های مختلف زندگی برخوردار می‌شوند که در قسمت اول به آنها پرداختیم. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بهترین و مهمترین ظرف مبارزه پناهجویان است. از این رو پیوستن پناهجویان به این سازمان یکی از ضروریات زندگی آنهاست؛ چنین سازمانی لازم است همیشه آپدیت و به روز باشد. باید هر جا دفتری دارد در آن جمع شویم و در مورد اساسی ترین عرصه‌های کار حرف بزنیم، برای رفع مشکلات و موانع سر راه طرح و پیشنهاد بیاوریم و سعی کنیم در هر جایی که هستیم دری را به روی مشکلات خود بازکنیم و بجای نشستن در خلوت و تنهایی، فضایی جمعی و شاد و امیدوارکننده ایجاد کنیم. فدراسیون ماشین مبارزه پناهجویان است. هر اندازه پناهجویان در این سازمان جمع بشوند و آن را متعلق به خود بدانند و در سرنوشت آن دخالت داشته باشند فدراسیون نیز به همان اندازه می‌تواند در سرنوشت و آینده زندگی آنها تأثیرات بیشتری بگذارد. این سازمان، هم باید دارای قدرت و نفوذ اجتماعی باشد و هم دارای قدرت تشکیلاتی و بنیه مالی. باید هر جا که هستیم به این سازمان پیوندیم، شعبه ای از آنرا در شهرمان ایجاد کنیم، عضو آن بشویم و دیگران را به عضویت در آن تشویق کنیم به فدراسیون کمک مالی کنیم و دیگران را به این کار تشویق کنیم. پناهجویانی که پاسخ مثبت دریافت می‌کنند و به این نکته واقف هستند که بدون دخالت فدراسیون به این درجه از موفقیت نمی‌رسند به این سازمان کمک مالی کنید. ضرورت پیوستن به این سازمان را برای دیگران توضیح دهیم. هر جا که از طریق راهنمایی و فعالیت‌های فدراسیون از حق پناهندگی برخوردار می‌شویم آن را اعلام کنیم و در مورد پذیرش پناهندگی مان برای سایت و نشریه همبستگی نامه و مطلب بنویسیم، برای جلوگیری از اخراج پناهجویان، دیگران را به شرکت در گردهمایی‌ها دعوت کنیم. مطمئن باشید اگر برای جلوگیری از اخراج هر پناهجو ۲۰۰ نفر در مقابل ادارات مربوطه جمع بشویم و دخالت دقیق و به موقع در پرونده آنها داشته باشیم اجازه نخواهیم داد هیچ پناجویی را به جهنم جمهوری اسلامی بازگردانند.



**سؤال:** چرا نتیجه این همه سال فعالیت و تغییر در زندگی مردم به بنیهِ تشکیلاتی و سازمانی قوی برای فدراسیون تبدیل نشده است؟

**عبدالله اسدی:** من و بسیاری از دیگر دوستانم که در این تشکیلات مسئولیت داشته اند بارها به این جنبه از کار فدراسیون فکر کرده ایم و در این باره بحث های زیادی داشته ایم و در نوشته ها و صحبت ها و سخنرانی ها و کنفرانس ها به این موضوع اشاره کرده ایم. این يك مشکل واقعی است يك بخشش ضعف سازماندهی خود فدراسیون است. ولی اساس قضیه این است که فرهنگ تحزب و تشکیلات در میان ایرانیان به يك فرهنگ جا افتاده تبدیل نشده و در مجموع پناهندگان و مهاجرین ایرانی هنوز به ضرورت وجود يك تشکل فعال و دخالتگر در سرنوشت خود فکر نمی کنند. به عبارت دیگر هنوز به نقش و جایگاه این سازمان و تاثیرات مثبت آن بر روند زندگی خود نگاه نمی کنند. نگاه به این معنی که عضو و فعال آن بشوند و در فعالیت هایش خود را دخیل و شریک بدانند. با اینکه بحث تحزب و تشکل در میان جامعه ایرانی بحث بسیار مطرحی است ولی هنوز به این درجه از مسئولیت پذیری در قبال سازمانی مثل فدراسیون نرسیده اند. در واقع اگر همه از سر ضرورت وجود چنین سازمانی برای جامعه به آن نگاه می کردند اکنون می بایست فدراسیون دارای صدها شعبه در شهرها و کشورهای مختلف و صدها کادر برجسته و سازمانده در عرصه پناهندگی میبود. این هم ناشی از شرایط سیاسی و اجتماعی ای است که يك حکومت مستبد در طول ۳۶ سال حاکمیتش به جامعه ایران تحمیل کرده است. با این حال باید در این مورد فکری اساسی کرد و در این سازمان تحول ایجاد کنیم. فدراسیون يك دنیا کار دارد و به حضور علاقمندان به مسائل پناهندگی اعم از ایرانیانی که از سالیان



پیش اقامت گرفته و به زبان و مسائل این جوامع آشنا هستند و چه به پناهنجویانی که در حال تلاش برای گرفتن اقامت خود هستند نیاز مبرم دارد.

در بخش دوم در معرفی فدراسیون به نمونه‌ها و فاکت‌های متعددی از فعالیت‌های کمپینی در طول سالیان گذشته اشاره کردم اما فعالیت فدراسیون فقط محدود به کمک به پناهنجویان بدون اقامت نمی‌شود. دخالت‌گری در عرصه‌های مختلف اجتماعی بخش دیگری از فعالیت‌های فدراسیون را تشکیل می‌دهد. فعالیت علیه نسبیت فرهنگی، مبارزه علیه راسیسم و نژادپرستی، دفاع از حقوق برابر و شهروندی، مبارزه علیه تبعیض و تلاش در جهت هم پیوستگی خارجی‌ان با جامعه محل اقامت و دفاع از ارزش‌های جهان شمول، سکولار و انسانی و دخالتگر در سرنوشت جامعه، مبارزه علیه جمهوری اسلامی همه و همه عرصه‌هایی هستند که فدراسیون در آن‌ها نقش بارزی داشته است.

## بخش دوم: جنبه‌های حقوقی و عملی هنگام درخواست پناهندگی

**سؤال:** اولین سؤالی که ممکن است از یک متقاضی پناهندگی پرسند چیست؟ توضیحات شما در این مورد چیست؟

**عبدالله اسدی:** ممکن است پرسند چرا کشور خود را ترك کرده‌اید؟ در پاسخ به این سؤال کسانی که ادعا می‌کنند در ایران تحت پیگرد قانونی بوده‌اند باید همین را مطرح کنند و بگویند در ایران تحت تعقیب بوده‌اند و به دلیل امنیتی از ایران خارج شده‌اند. پرسش بعدی ممکن است این باشد که چرا تحت پیگرد قانونی بودید؟ برای پاسخ هر چه روشن‌تر به این نوع سؤالات لازم است به چند نکته از شاخص‌های پذیرش پناهندگان اشاره کنم. برای مثال به جرم فعالیت سیاسی و عضویت در يك تشکل سیاسی، به جرم هم‌جنس‌گرایی، به جرم اقلیت ملی و قومی و همین‌طور اعتقاد به مذهبی غیر از مذهب رسمی. منظور من این نیست که هر فرد متقاضی پناهندگی می‌تواند همه این شاخص‌ها و معیارهای پناهندگی را به عنوان دلایل درخواست پناهندگی خود به مقامات مربوطه ارائه دهد. هر فرد متقاضی پناهندگی می‌تواند بنا به یکی از این دلایل درخواست پناهندگی کند. لازم است در همین جا یادآوری کنم که هنوز به ایرانیان به دلایل قومی اقامت نمی‌دهند مگر در موارد بسیار استثنایی. هرکدام از این شاخص‌ها بر اساس سند کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷، سازمان ملل شاخص‌های اصلی پذیرش پناهندگان محسوب می‌شوند و شما به عنوان متقاضی پناهندگی باید دارای یکی از این مشخصات و معیارها باشید و بتوانید دلایل خود را ثابت کنید تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوید. اجازه بدهید در همین جا به چند نکته از مسائل و موضوعاتی که متقاضیان پناهندگی لازم است به عنوان دلایل پناهندگی خود نزد ادارات امور پناهندگی بیان کنند اشاره کنم و این معیارها و شاخص‌ها را بررسی کنم تا برای متقاضیان پناهندگی روشن و قابل فهم باشد.

### دلایل پناهندگی

در ایران قانوناً برای آن‌هایی که دین اسلام را ترك می‌کنند حکم ارتداد صادر می‌کنند و برای مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی ۳۰ تا ۷۰ ضربه شلاق و مشخصاً برای افرادی که به جرم سه فقره مصرف مشروبات الکلی دستگیر می‌شوند حکم اعدام صادر می‌کنند. در ایران بر طبق قانون اسلام چهار انگشت سارقین و متهمین را به جرم سه فقره سرقت قطع می‌کنند. برای کسانی که به مقامات حکومتی و مقدسات توهین می‌کنند،



حکم ارتداد (مرگ) صادر می کنند. سرپیچی و تمرد از دستورات مقامات بالاتر در ارتش و نیروهای نظامی و انتظامی با مجازات سنگین مواجه می شود. زنان به جرم زنا محصنه با مجازات مرگ مواجه می شوند. قانون در ایران دست مردان را برای به قتل رساندن این دسته از زنان که مرتکب زنا محصنه می شوند باز گذاشته است. در بسیاری از موارد دختران و زنانی که به جرم عدم رعایت "شئون" اسلامی بازداشت می شوند و در بازداشتگاهها و قرارگاههای پلیس و نیروهای انتظامی نگهداری می شوند مورد بدرفتاری و تجاوز جنسی قرار می گیرند. افرادی که مورد تعدی و تجاوز به عنف قرار گرفته باشند در صورت اثبات، به آنها اقامت می دهند و در

بسیاری از موارد در اسرع وقت برای مداوا و بازیافتن شرایط روحی، آنها را به پزشک معرفی می کنند. اعتیاد به مواد مخدر بسیاری از خانوادهها را به شدت متلاشی کرده و زنان و کودکان در اثر آن دچار بزرگترین آسیبها و مصائب اجتماعی می شوند و در پس آن زندگی افراد غیرقابل تحمل می شود بدون اینکه يك نهاد دولتی در مورد چنین افرادی کار آگاه گرانه و مساعدهای عملی صورت بدهد. توجه داشته باشید کارمندان دولت و کلای پناهندگی هنگام مصاحبه با این دسته از متقاضیان پناهندگی با جزئیات در مورد تاریخ و محل و چگونگی شرایطی که این اتفاقات در آن افتاده است می پرسند. می خواهند بدانند چه کسی یا کسانی در این ماجرا دست داشتهاند؟ می خواهند از متقاضیان پناهندگی سؤال کنند آیا در این مورد شکایتی به مراجع قضایی کشور صورت گرفته است یا نه؟ و اگر صورت گرفته چه اقدامی شده و اگر نشده به چه دلیلی نشده؟ می خواهند بدانند شخص متقاضی، مدارک و شواهد روشنی برای اثبات ادعای خود دارد یا نه؟ می خواهند بدانند آیا در ارتباط با این موضوع پای کسان دیگری هم در میان است یا نه و اگر هست اکنون در چه موقعیتی قرار دارند و در حال حاضر در کجا بسر می برند؟

در بعضی از موارد استثنایی به کسانی که بدلیل آسیب های روحی و روانی ناشی از فقر، کشور محل زندگی

خود را ترك می کنند اقامت می دهند. زانی که نمی توانند طلاق بگیرند و هنگام درخواست جدایی در موردشان فضا سازی می شود و مورد خشونت های خانوادگی و اعمال غیرانسانی قرار می گیرند نیز می توانند به همین دلایل درخواست پناهندگی کنند. اما این در صورتی است که فرد متقاضی از حمایت دولت و خانواده و بستگان خود برخوردار نبوده باشد. بهر حال بر مبنای چنین شرایطی می شود در هر کدام از کشورهای محدوده شنگین و اتحادیه اروپا، کانادا و استرالیا و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تقاضای پناهندگی کرد. پناهندگی به دلیل ازدواج های اجباری و شرایط غیر قابل تحمل و اسارت بار. در چنین شرایطی زنان و دختران بی شماری به ناچار به سمت تن فروشی رانده می شوند و در پی آن دچار آسیب های روحی و روانی جبران ناپذیری می شوند. این نوع دلایل برای درخواست پناهندگی دلایل معتبری هستند. در ایران و در بسیاری از کشورهای دیگر که قوانین و فرهنگ اسلامی بر آنها حاکم است، زنان هم در چارچوب خانواده و هم در فرهنگ و سنت های عقب مانده و مردسالار در تملک قدرت مردان قرار دارند و به عنوان برده جنسی از آنها استفاده می شود و آنها را در بی حقوقی مطلق نگاه می دارند. موارد زیادی وجود دارد که زنان به جرم عشق ورزیدن و برقراری رابطه خارج از ازدواج به اشکال گوناگون به قتل می رسند. افرادی که چنین دلایلی برای درخواست پناهندگی خود دارند، چنانچه سند و مدرکی برای اثبات آن داشته باشند، لازم است در اختیار مقامات امور پناهندگی قرار دهند و با جزئیات اتفاقات پیش آمده را برای وکلای خود و مقامات امور پناهندگی توضیح دهند.

اثبات هر کدام از موارد فوق در مراجع پناهنده پذیر بر تصمیمات آنها تأثیرات مثبت خواهد گذاشت. افرادی که مورد ظلم بیش از حد قرار می گیرند و در مصاحبه با کارمندان و وکلای امور پناهندگان گفته های خود را اثبات کنند دیر یا زود از کسب حق پناهندگی برخوردار خواهند شد.

## تحقیق

درخواست پناهندگی به دلیل تحقیق، تحقیق به دلیل داشتن نوع شغل و یا تحقیق به دلیل نقص عضو، تحقیق به دلیل دارا بودن گرایش جنسیتی خاص، برای مثال همجنسگرایان و ترانسکشوال ها، تحقیق به سبب دارا بودن يك عقیده خاص، برخورداري از كسب حق پناهندگی به دلیل فعالیت سیاسی در خارج از کشور، هر کدام از آنها دلایل بسیار مهمی هستند و لازم است که متقاضیان پناهندگی قبل از درخواست پناهندگی، نسبت به اعتبار دلایل درخواست خود اطمینان کامل داشته باشد. درخواست پناهندگی به سبب محرومیت قانونی از امرار معاش، درخواست پناهندگی به دلیل تبعیض مذهبی، تبعیض به دلیل جنسیت و گرایش جنسی،



درخواست پناهندگی به دلیل اینکه شما از سوی يك گروه فشار باند سیاهی و یا قبیلای انتقامجو مورد تهدید و تحت تعقیب قرار گرفته باشید، ولو در صورتی که مقامات دولتی کشور محل زندگی، نخواسته و یا نتوانسته اند امنیت جانی شمارا در مقابل چنین تهدیداتی تضمین و تأمین نمایند. توصیف موارد پناهندگی يك اصطلاح بین‌المللی است که اساس آن در کنوانسیون پناهندگی سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا پایه‌گذاری شده است. ممکن است شما با وجود اینکه پناهنده سیاسی نیستید از حق دریافت اجازه اقامت به عنوان فرد نیازمند به پناه، برخوردار شوید. اگر شما فردی باشید که به پناه و محافظت نیاز دارید با ارائه دلایل لازم می‌توانید تحت عنوان فرد نیازمند به پناه و محافظت اجازه اقامت دریافت دارید. از جمله این دلایل، اعمال غیرانسانی یا توهین‌آمیز در کشور محل زندگی، درخواست پناهندگی به عنوان فرد غیرنظامی و به علت وجود درگیری‌های مسلحانه که در آن با خطر آسیب جدی روبرو بوده باشید. پناهندگی به دلیل محرومیت‌های اجتماعی؛ برای مثال محرومیت‌های شغلی و محروم سازی اقتصادی. در چنین صورتی طبق قانون توصیف موارد پناهندگی، پناهنده محسوب می‌شوید. در بخش‌های بعدی در جزئیات بیشتری به این جنبه‌ها می‌پردازم. متقاضیان پناهندگی در صورت اثبات هرکدام از موارد فوق شانس دریافت اجازه اقامتشان بیشتر خواهد بود.

### سوال: چه مسائلی را نباید مطرح کرد؟

**عبدالله اسدی:** شخص متقاضی پناهندگی لازم است با دقت هر بلایی که بر سر خود و خانواده و بستگانش در رابطه با فعالیت سیاسی و یا اتفاقات دیگری از این دست آمده است بیان کند. برای مثال تعقیب، بازداشت، صدور احکام زندان، شلاق، شکنجه، تفتیش و خانه گردی، تجاوز به عنف، تحقیر، تبعیض بر اساس جنسیت و گرایش جنسی، تبعیض بر اساس قومیت و اقلیت‌های دینی و نژادی، اخراج و ممانعت از تحصیل، ممانعت از کار برای تأمین زندگی، ترک پست‌های دولتی به دلیل وجود خطر جانی در شرایط جنگی همه و همه لازم است در مصاحبه با دقت بیان شوند. منظور من مسائل بهم پیوسته‌ای است که عموماً زندگی در کشور را برای شخص متقاضی غیرقابل تحمل کرده است و ناچار به ترك کشور و تقاضای پناهندگی در خارج از کشور شده است. هرکدام از این جنبه‌ها خود به تنهایی دلایل مهمی برای درخواست پناهندگی هستند و چنانچه شما به عنوان متقاضی پناهندگی بتوانید هرکدام از آنها را به درستی و سر جای خود توضیح دهید شانس شما برای کسب اجازه اقامت بالاتر خواهد رفت.

ولی سوال این است که چه چیزهایی را نباید مطرح کرد؟ مواردی که موقعیت بسیاری از پناهجویان را به خطر

میاندازد ناشی از عدم اطلاعات کافی به مسائلی است که ادارات و مسئولین رسیدگی به پرونده پناهجویان از متقاضیان پناهندگی طلب می کنند. پنهان کردن مدارک هویتی و بعضاً دستکاری آنها باعث می شود ادارات دولتی نسبت به گفته های آنها سلب اعتماد کنند و اجازه اقامتشان سال ها به تاخیر بیفتد. بهترین فکر و بهترین راه حل این است که متقاضیان پناهندگی اطلاعاتشان را از کارشناسان امور پناهندگی بگیرند نه از بستگان و افرادی که اطلاعات کافی در این زمینه ندارند. در بسیاری از موارد متقاضیان پناهندگی اسم و مشخصات واقعی خود را از ادارات مسئول رسیدگی به پرونده های خود پنهان می کنند و هیچ مدرکی را برای اثبات هویت واقعی خود رو نمی کنند. این دسته از متقاضیان پناهندگی در چنین صورتی نه تنها پروسه پناهندگیشان ممکن است چندین سال به تاخیر بیفتد، بلکه بعدها هم نمی توانند از دریافت پاسپورت تابعیت نیز برخوردار شوند.

**سؤال:** می پرسند چگونه به این کشور رسیدید، از چه راهی؟ در این مورد چه توضیحاتی برای متقاضیان پناهندگی دارید؟

**عبدالله اسدی:** تجربه کار در فراسیون سراسری پناهندگان ایرانی نشان می دهد که بسیاری از متقاضیان پناهندگی موضوع مسیر و کیس راه را بی جهت بزرگ و پیچیده می کنند و تصورشان این است که اگر بتوانند مسیر رسیدنشان را به کشور مورد نظر درست توضیح دهند بقیه مسائل برایشان راحت تر می شود. تا آنجایی که به پناهجویان ایرانی برمی گردد که موضوع کار این جزوه نیز هست در حال حاضر تا ۹۰ درصد از آنها با ویزای قانونی وارد می شوند در این صورت لازم است این دسته از متقاضیان عین واقعیت را به مسئولین و وکلا بگویند. منظور من بیان واقعیت در مورد مسیر است. کسانی که از راه های غیرقانونی وارد می شوند نیز بهتر است که همین را بگویند. مهم این نیست که متقاضیان پناهندگی از راه قانونی یا غیرقانونی وارد شده باشند، مهم این است که بتوانند اثبات کنند که واجد شرایط پناهندگی هستند. در پاسخ به سؤالات قبلی به دلایل متعددی اشاره کردم. خیلی ساده اگر پرسند برای مثال از چه طریقی وارد کشوره لند شدید می گویم از راه هوایی و از طریق استانبول. لازم نیست شخص متقاضی پناهندگی در پاسخ به چنین سؤالی کوه به کوه و شهر به شهر را توضیح دهد، مگر اینکه مصاحبه کننده همه چیز را و جب به و جب پرسد و شما هم مجبور شوید به همه آنها پاسخ بدهید. هدف کارمندان دولت برای طرح سؤال در مورد مسیر سفر شما این است که بدانند مسیری که شخص شما به عنوان متقاضی پناهندگی از آن عبور کرده اید، واقعی بوده و یا اصلاً چیزی در این مورد نمی داند؟ در بسیاری از موارد سند و مدارک سفر شما را کشف می کنند و عملاً

مسیری را که شما به عنوان مسیر سفر خود به آنها معرفی کرده‌اید جعلی و بی اعتبار می شوند.

اما افرادی که با ویزا و گذرنامه خود را معرفی می کنند مشکل توضیح در مورد مسیر سفر را پیدا نمی کنند. مسیر زمینی هم به همین صورت است اصلا لازم نیست شما با جزئیات همچیز را در مورد مسیر توضیح بدهید؛ اما باید توجه داشته باشید که در مورد دلایل پناهندگی تان با جزئیات همه چیز را توضیح دهید. منظور من این نیست که هر آنچه در طول زندگی شما اتفاق افتاده است به عنوان دلایل پناهندگی خود توضیح دهید. منظور من توضیح آن بخش از مسائلی است که به دلایل پناهندگی شما مربوط می شوند و به دریافت اجازه اقامت شما کمک می کنند. در پاسخ به سؤالات بعدی مفصل تر در این مورد توضیح می دهم.

**سؤال:** می پرسند چه وقت به اینجا رسیدید؟ پاسخ درست به این سؤال چیست آیا درست است کسی که از سه ماه قبل به کشور مقصد رسیده ولی به هر دلیلی زودتر از این امکان تقاضای پناهندگی نداشته است همین حقیقت را بگوید؟ آیا بگوید همان سه ماه پیش آمده و یا همین امروز یا دیروز و یا ...؟

**عبدالله اسدی:** بستگی به این دارد شما با ویزا و از راه قانونی به کشور مربوطه وارد شده اید یا نه؟ در صورتی که با ویزا به آن کشور وارد شده باشید باید دلایل قانع کننده ای برای تأخیر درخواست پناهندگی خود داشته باشید. ولی شما نمی توانید هرطور که دوست داشته باشید پاسخ بدهید چون شما از طریق قانونی وارد کشور شده‌اید و مسئولین امور پناهندگی هم می دانند که شما از راه قانونی وارد شده‌اید. بنابراین چنانچه شما با ویزای شنگن وارد یکی از کشورهای این محدوده شده باشید لازم است حقیقت را بگویید. چون هر کس که با ویزای شنگن و به طور قانونی از ایران خارج شود و بخواهد وارد محدوده شنگن شود همان موقع که خود را معرفی می کند می فهمند که با ویزای شنگن وارد شده است. از این نظر بهتر است که این دسته از پناهنجریان در ظرف کمتر از یک هفته خود را معرفی نمایند. بسیاری فکر می کنند باید پس از پایان اعتبار ویزا درخواست پناهندگی بدهند. ولی به هر حال برای کسانی که به طور قانونی وارد می شوند و تصمیم به درخواست پناهندگی دارند و در صورتی که ویزای آنها مربوط به همان کشوری باشد که می خواهند در آن درخواست پناهندگی بدهند، بهترین گزینه این است که به محض ورود به آن کشور، خود را به پلیس و یا ادارات مربوط به امور پناهندگان معرفی نمایند؛ به عبارت دیگر، در صورتی که شما با ویزا وارد شده باشید و به شرطی که دارنده ویزای همان کشوری باشید که در آن تصمیم به درخواست پناهندگی گرفته‌اید، لازم است در

اسرع وقت درخواست پناهندگی نمایید. بارها اتفاق افتاده که مسئولین ادارات امور پناهندگی اولین سؤالی که در مقابل این دسته از متقاضیان قرار داده‌اند این بوده که اگر موقعیتتان در خطر بوده و هدف تقاضای پناهندگی داشتید چرا با این همه تأخیر تصمیم به تقاضای پناهندگی گرفته‌اید؟ به همین دلیل به تقاضای اکثر این دسته از پناهجویان پاسخ رد می‌دهند و نسبت به دلایل آنها سلب اعتماد می‌کنند. مگر اینکه فرد متقاضی دلایل بسیار قانع کننده‌ای برای تأخیر در تقاضای پناهندگی خود داشته باشد.

متقاضیان پناهندگی باید توجه داشته باشند، در روز اول معرفی معمولاً چیز زیادی نمی‌پرسند. چیزی که هست فقط جنبه ثبت نام دارد ولی باید متوجه یک نکته مهم هم باشیم، مقامات امور پناهندگی در همان مرحله اول ثبت نام در بعضی از موارد بیشتر از آنچه که فکر می‌کنید سؤال می‌پرسند و از مصاحبه‌ای که با متقاضیان پناهندگی انجام می‌دهند پروتکل تهیه می‌کنند و به آن سندیت می‌دهند. این حق همواره برای متقاضیان پناهندگی نیز محفوظ است که از وکیل و یا مسئول پرونده خود بخواهد یک نسخه از پروتکل تهیه شده را در اختیار داشته باشد. در غیر این صورت متقاضیان پناهندگی ممکن است در هنگام مصاحبه اصلی بیاد نیاورند دقیقاً در روز اول ثبت نام چه سؤالاتی از وی پرسیده‌اند؟ چون فاصله زمان معرفی تا وقت مصاحبه اصلی در بسیاری از کشورهای پناهنده پذیر و در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل بیش از یک سال به طول میانجامد. در مورد مصاحبه اصلی هم همینطور در بسیاری از موارد پناهجویانی که پاسخ منفی دریافت می‌کنند بعضاً یا آن را به پای ترجمه بد مترجم می‌نویسند و یا بی توجهی و سطحی نگری ادارات امور پناهندگی و بی مسئولیتی وکیل و بسیاری از این نوع مسائل. در صورتی که بعد از پایان هر جلسه متن مصاحبه را دوباره خوانی می‌کنند تا اگر اشتباهی شده باشد آن را تصحیح کنند. بنابراین لازم است با آمادگی بیشتری خود را معرفی کنید و سعی کنید همه مواردی را که به دلایل درخواست پناهندگی کمک می‌کند بیان کنید و مهمتر از همه راهنمایی را از کسانی بگیرند دانش و تجربه این کار را داشته باشند.

بعلاوه هنگام ثبت نام از سال تولد متقاضی تا نام و نام خانوادگی، شغل و سطح تحصیلات و همچنین نام پدر، مادر، برادر و خواهر و فرزند تا آدرس و شماره تلفن محل زندگی در ایران را می‌پرسند و آنها را در پرونده متقاضیان پناهندگی ثبت می‌کنند. شغل و تحصیلات و محل زندگی بستگان و اعضای خانواده در ایران و در خارج کشور را هم می‌پرسند بنابراین متقاضیان پناهندگی باید به این نوع پرسش‌ها تکمیل پاسخ بدهند.

**سؤال:** می‌پرسند دوران تحصیلات خود را در چه مدرسی به پایان رسانده‌اید؟ اسم و محل

مدارسی که در آن‌ها تحصیل کرده‌اید نام ببرید. از نظر شما متقاضیان پناهندگی چگونه باید به این سؤالات پاسخ بدهند؟

**عبدالله اسدی:** اینها سؤالات مشخصی است که باید به آنها پاسخ مشخص داده شود به عبارت دیگر باید مورد به مورد به آنها پاسخ داده شود. سؤالاتی که آنها مطرح می‌کنند، شامل مدارس و دانشگاه و دوران تحصیلات ابتدائی و عالی‌ه شما هم می‌شود. بهتر است تا آنجا که ممکن است عین واقعیت را توضیح بدهید. در واقع اینها بخش‌هایی از سؤالاتی است که معمولاً ادارات مربوط به امور پناهندگان روزهای اول برای ثبت نام کامل متقاضیان می‌پرسند. می‌پرسند همسر و یا فرزندان شما در حال حاضر کجا به سر می‌برند؟ خوب است چنانچه متقاضیانی که همسر و فرزندان خود را به همراه ندارند در مصاحبه خود با مقامات امور پناهندگی به موقعیت آنها در حال حاضر نیز اشاره نمایند.

برای مثال می‌پرسند: نام همسر شما چیست؟ شغل و نحوه امرار معاش ایشان و تعداد فرزندان چیست؟ آیا در حال حاضر موقعیت همسر شما هم در خطر است؟ آخرین تماس شما با وی چه زمانی بوده و اکنون در کجا و در چه شرایطی بسر می‌برد و...؟ لازم است یکایک آن‌ها را برای وکیل خود و مقامات امور پناهندگی توضیح دهید. همین جا لازم است اشاره کنم که تجربه فعالیت ما با متقاضیان پناهندگی نشان می‌دهد که برخی از آنها بنا به دلایل و ملاحظاتی که برای خود در نظر دارند مدارک هویتی خود را دستکاری می‌کنند و یا از ارائه آن به مقامات مسئول خودداری می‌کنند. توصیه من به همه متقاضیان این است که از اینکار خودداری نمایند. چرا؟ برای اینکه اولاً بدون در اختیار گذاشتن مدارک هویت حتی اگر دلایل پناهندگی فرد بسیار هم قوی باشد به دلیل عدم وجود شناخت کافی از هویت متقاضیان، در اکثر موارد به این دسته از پناهجویان پاسخ منفی می‌دهند. چون ادارات مسئول رسیدگی به پرونده‌ها برای تأیید کامل هویت فرد متقاضی کلیه مدارک معتبر و مستند را طلب می‌کنند. دوماً بدون داشتن چنین مدارکی در بسیاری از موارد از برخی خدمات از قبیل دریافت اجازه کار و ثبت ازدواج محروم می‌شوید. لازم است به این نکته هم اشاره کنم که کسانی که با ویزای توریستی و یا دعوت نامه بستگان خود به همان کشور صادرکننده ویزا سفر می‌کنند، هنگام تقاضای پناهندگی از ارائه پاسپورت خود به مقامات اداری خودداری می‌کنند. این هم برای این دسته از متقاضیان پناهندگی بار منفی دارد چون مقامات امور پناهندگی می‌فهمند که شخص متقاضی مثلاً با ویزای نروژ آمده است و ویزای وی از همان تاریخ صدور در سفارت نروژ و در سیستم اداری آن کشور بایگانی می‌شود و هنگام معرفی مشخصات شخصی متقاضی دیده می‌شود و این عمل باعث می‌شود نسبت به

دلایل پناهندگی شخص متقاضی سلب اعتماد نمایند.

الآن که در سفارتخانه‌های کشورهای محدوده شنگن در ایران و در همه جای دنیا از متقاضیان ویزا اثرانگشت می‌گیرند به همین دلیل نباید آن را انکار نمایند و یا از در اختیار گذاشتن پاسپورتان به مقامات امور پناهندگی خودداری کنید. بسیاری از متقاضیان پناهندگی از اینکه مبادا در صورت دریافت پاسخ منفی، پاسپورتشان به وسیله ای برای دیپورت خود به کشوری که از آن آمده‌اند تبدیل شود، از تحویل آن به مقامات مسئول خودداری می‌کنند. این کار کاملاً اشتباه است به همین دلیل است که در اکثر اوقات نسبت به گفته‌های متقاضیان پناهندگی سلب اعتماد می‌کنند. سلب اعتماد می‌کنند برای اینکه می‌فهمند یا فهمیده‌اند شما با ویزای یکی از کشورهای محدوده شنگن وارد شده‌اید. اجازه بدهید برای روشن شدن هرچه بیشتر این موضوع مثال کوچکی بزنم. بارها و بارها دیده شده است که یک خانواده با استفاده از ویزای سه ماهه یکی از کشورهای عضو پیمان شنگن وارد این محدوده شده‌اند و در طول این سه ماه به کشورهای عضو این محدوده رفت و آمد کرده‌اند و از دوستان و بستگان خود دیدن به عمل آورده‌اند و چند روز بیشتر به پایان اعتبار ویزا باقی نمانده به کشور صادرکننده ویزا برمی‌گردند و درخواست پناهندگی می‌کنند. اینها علاوه بر اینکه با سه ماه تأخیر درخواست پناهندگی می‌کنند، بعد از سه ماه گشت و گذار هنگام درخواست پناهندگی پاسپورت همگی آنها یا دزدیده می‌شود و یا گم می‌شود! متأسفانه این نمونه‌ها بسیار زیاد است و هنوز هم در حال تکرار است.

اما از اول اکتبر سال ۲۰۱۲ سفارتخانه‌های اروپای در ایران و در خاورمیانه تا شاخ آفریقا از متقاضیان ویزا اثرانگشت می‌گیرند و اکنون همه دارندگان ویزا باید بدانند که به محض درخواست پناهندگی در هر کدام از کشورهای عضو پیمان شنگن اثر انگشتشان کشف خواهد شد و آنها را بهمان کشور صادرکننده ویزا بازخواهند گرداند. اکنون بهترین گزینه این است که متقاضیان پناهندگی دارنده ویزا در همان کشور صادرکننده ویزا درخواست پناهندگی نمایند. نه اینکه شخص متقاضی با ویزای دانمارک ورود کرده باشد ولی در هلند درخواست پناهندگی بدهد.

**سؤال:** در همین رابطه بسیاری از دارندگان ویزاهای شنگین با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند و حتی برای بسیاری از آنها پرونده تشکیل نمی‌دهند. چرا برای بعضی از آنها پرونده پناهندگی تشکیل می‌دهند و برای بعضی‌ها نه؟ مگر در ویزاهای محدوده شنگن تفاوتی وجود دارد؟ توضیح شما برای این دسته از پناهجویان و یا کسانی که از این به بعد وارد محدوده شنگن می‌شوند چیست؟

چکار باید بکنند تا با این مشکلات مواجه نشوند؟

**عبدالله اسدی:** بلی دقیقا در کاربرد ویزاهای شنکن تفاوت‌های زیادی وجود دارد بطوری که بسیاری از آنها با نحوه استفاده از آن هیچ نوع آشنائی ندارند. آن‌ها پناهجویانی هستند که با ویزای یکی از کشورهای محدوده شنکن وارد شده‌اند ولی در کشور دیگری از محدوده شنکن درخواست پناهندگی داده‌اند. شما به عنوان متقاضی پناهندگی دارنده ویزای هرکدام از کشورهای عضو پیمان شنکن باشید فقط در همان کشور صادرکننده ویزا می‌توانید تقاضای پناهندگی بدهید. اگر بخواهید در کشور دیگری از محدوده شنکن تقاضای پناهندگی بدهید بر طبق قانون باید شش ماه از اعتبار ویزای شما بگذرد تا اجازه درخواست پناهندگی پیدا کنید. درواقع شش ماه زندگی غیرقانونی، در چنین صورتی است که در کشور مورد نظر می‌توانند درخواست پناهندگی نمایند.

**سؤال:** پناهجویانی که خبری از قانون شش ماهه ندارند و برای مثال با ویزای فرانسه وارد می‌شوند ولی در هلند درخواست پناهندگی می‌کنند چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟

**عبدالله اسدی:** متأسفانه همانطور که پیشتر اشاره کردم، برای این دسته از پناهجویان پرونده پناهندگی تشکیل نمی‌دهند و همه آنها را به همان کشور صادرکننده ویزا برمی‌گردانند. بازم مثال می‌آورم کسی که با ویزای فرانسه وارد شده باشد و بخواهد در هلند بماند، باید ۶ ماه صبر کند درحالی که بیش از ۸۰ درصد از متقاضیان پناهندگی با این مقررات کمترین آشنایی ندارند برای همین است بدون توجه به این مقررات با ویزای فرانسه در هلند درخواست پناهندگی می‌کنند و چند ماه بعد اعلام می‌کنند مسئول رسیدگی به پرونده شما فرانسه است و باید به فرانسه برگردید. این بار بجای ۶ ماه باید ۱۸ ماه صبر کند. این ۱۸ ماه هم از زمانی شروع می‌شود که کشور فرانسه پذیرفته است دارنده ویزای آن کشور را به آنجا برگردانند. در مجموع این پروسه برای این دسته از پناهجویان در حدود دو سال به طول می‌انجامد. این دو سال هم مجبور می‌شوند به طور غیرقانونی زندگی کنند و خود را از چشم پلیس دور نگاه دارند چون پرونده را به پلیس می‌فرستند و پلیس هم این اختیار را دارد آنها را بازداشت و به کشور صادرکننده ویزا بازگرداند.

**سؤال:** از پناهجویان می‌پرسند آیا مدارکی برای اثبات گفته‌های خود دارید در صورتی که در ایران به کسی مدارک محکومیت نمی‌دهند. جواب شما به این موضوع چیست؟

**عبدالله اسدی:** اداراتی که پرونده پناهندگان را بررسی می کنند مستقل از اینکه من و شما چه برداشتی از آنها داشته باشیم به این موضوع بطور حقوقی و درعین حال فردی نگاه می کنند. رعایت قوانین در غرب معنی عملی دارد. مثل ایران نیست که از منظر سیاسی به همه چیز نگاه کنند. در ایران نماز جمعه کاملاً معنی سیاسی دارد و به عنوان يك تجمع سیاسی از آن یاد می کنند. شعار مرگ بر صهیونیسم و "شیطان بزرگ" و صدور فتوای سرکوب مبارزات آزادیخواهانه مردم و اجرای قوانین قرون وسطایی و حجاب اجباری همه و همه از نماز جمعنها و از حوزههای علمیه قم استخراج می شود ولی باید این را هم بدانیم که سند کیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ مربوط به حق پناهندگی برای همه آحاد بشر نیست. مربوط به کسانی است که طبق تعریفی که در این سند از پناهندگان شده است واجد شرایط پناهندگی تشخیص داده شود. اینکه مراجع سازمان ملل و نهادهای دولتی چگونه این حق و حقوق را تشخیص می دهند، به چه کسی این حق را می دهند و به چه کسی نمی دهند، تقریباً بعد از گذشت ۲۴ سال از پایان جنگ سرد، هنوز که هنوز است تشخیص حقوق پناهندگی بر اساس همین سند صورت می گیرد. این حق بر طبق تعریف به کسانی تعلق می گیرد که به تشخیص آنها به خاطر حفظ جان و به دلیل ترس از زندان و شکنجه و مجازات مرگ و پایمال شدن حرمت و شخصیت انسانی خود فرار کرده‌اند و درخواست پناهندگی داده‌اند.

به همین دلیل، مراجع و مقامات امور پناهندگان از تك تك شما به عنوان متقاضیان پناهندگی به طور شخصی رسیدگی میکنند و در مورد گذشته شما و داستان زندگی تان و نحوه خروجتان از کشور با جزئیات تحقیق به عمل می‌آورند تا ببینند از نظر آنها کدامیک واجد شرایط پناهندگی است و کدامیک نیست.

آنها به کسانی که نتوانند این موضوع را اثبات کنند به درخواست پناهندگی‌شان پاسخ منفی می دهند. قبلاً این موضوع را به طور مفصل توضیح دادم در پاسخ به این سؤالات و در صورت پیش آمدن اتفاقاتی از این دست، باید شخص متقاضی بتواند تاریخ و زمان هرکدام از اتفاقات پیش آمده را با دقت بیان کند. اگر قرار باشد متقاضیان پناهندگی برای اثبات گفته‌های خود مدارکی را در اختیار مقامات امور پناهندگی بگذارند، باید دقت کنند که این مدارک از سوی چه مراجعی و در چه زمانی صادر شده است و چقدر با دلایل درخواست شخص شما به عنوان متقاضی پناهندگی ربط پیدا می کند؟ متقاضیان پناهندگی چنانچه بخواهند مدارکی را در اختیار مقامات دولتی و کلای مدافع خود بگذارند، لازم است از ارائه کپی مدارک اعم از مدارک هویتی مثل کارت شناسایی و شناسنامه تا مدارکی که نشان می دهد جان و مال و آزادی تان در خطر بوده خودداری



کنید. چون معمولاً کپی مدارک برای این نوع ادارات فاقد ارزش تلقی می گردد. شخص متقاضی باید توجه داشته باشد که کارمندان و مسئولین امور پناهندگی آشنایی نسبتاً زیادی با مراجع قضائی و امنیتی در ایران دارند و خیلی راحت می توانند ربط و بی ربطی وظایف هر کدام از آن نیروها و مراجع قضائی و مدارکی که از آنها در اختیار دارید را تشخیص دهند و بر مبنای آن کلیه داستان و دلایل پناهندگی شما را بی اعتبار اعلام کنند. اجازه بدهید برای روشن تر شدن این موضوع يك مثال بزنم، شخص متقاضی پناهندگی نمی تواند ادعا کند که به جرم فعالیت سیاسی در ایران تحت پیگرد قانونی بوده در حالی که احضاریه ای که در اختیار مقامات مسئول امور پناهندگی قرار داده مربوط به دادگستری است. چراکه موضوع فعالیت سیاسی در جمهوری اسلامی به دادرسی انقلاب ربط پیدا می کند نه دادگستری. به همین اعتبار ادارات مربوط به امور پناهندگی اساساً کپی مدارک را به ندرت از متقاضیان پناهندگی می پذیرند، ولی در مورد متقاضیان پناهندگی از سومالی و بسیاری دیگر از کشورها، این سختگیری ها را در مورد اثبات هویت ندارند.

**سؤال:** کسانی که مذهب اسلام را ترک می کنند و یا خود یکی از پیروان مذهب غیر رسمی دیگری هستند چه کار باید بکنند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند؟

**عبدالله اسدی:** متقاضیانی که اعلام می کنند به دلیل روی برگرداندن از مذهب اسلام و گرویدن به مذاهب دیگر برای مثال مسیحیت، بهائیت، زرتشتی و یا هر مذهب دیگری تحت تعقیب قرار گرفته اند، اولاً: باید در این زمینه دارای اطلاعات نسبتاً کامل و جامعی باشند و واقعیت این است که اگر کسی به مذهب دیگری روی آورده باشد انتظار میرود که مقداری تحقیق کرده باشد. دوماً: بتوانند خیلی ساده توضیح دهند که چگونه مورد شناسایی دستگاه های قضائی و مأمورین امنیتی قرار گرفته اند؟ در کدام کلیسا؟ در چه تاریخی؟ چند نفر در این رابطه دستگیر شدند؟ در چه ساعتی؟ از بقیه دستگیرشدگان خبر دارند، چه به سرشان آمده است؟ اگر شما به جرم ترك دین بازداشت شده بودید، می پرسند که چگونه و از چه طریقی مأمورین دولتی اطلاع پیدا کردند که شما دین اسلام را ترك کرده اید؟ در کدام شهر، کدام منطقه، هنگام دستگیری شما را کجا بردند؟ در این رابطه چند بار مورد بازجویی قرار گرفتید؟ از سوی کدام مراجع دولتی؟ چه مدارکی دال بر ترك دین از شما مثل کتاب و نشریات و جزوات و غیره گرفته بودند؟ چقدر با مذهبی که به آن گرویدید آشنایی دارید؟ برای اولین بار چه چیزی باعث شد مثلاً دین اسلام را ترك کنید و دین دیگری را اختیار کنید؟ و یا چطور شد شما به طور کلی به ترك دین و بی دینی رسیدید در چه محدوده سنی؟ ریشه مذهبی خانواده شما چیست؟ آنها هم خود را مسلمان می دانند؟ آیا خانواده و بستگان شما می دانستند شما دین دیگری را اختیار کرده اید

و یا اساساً لامذهب شده‌اید؟ زمانی که فهمیدند شما بی دین شده‌اید و یا آئین دیگری را اختیار کرده‌اید عکس‌العملشان نسبت به تصمیم شما چگونه بود؟ برای مثال می‌پرسند با کدام علمای مذهبی آشنا شدید و در کجا؟ می‌پرسند آیا می‌توانید در این زمینه مدرکی از آن‌ها دال بر تأیید موقعیت خود بگیرید؟ می‌پرسند اگر به مذهب مسیحیت گرویدید غسل تعمید شده بودید؟ در کجا و در چه تاریخی؟ مأمورین دولتی چگونه خبر پیدا کرده بودند؟ راجع به شاخه‌های دیگر مسیحیت در چه حد آشنایی دارید؟ کتاب انجیل را خوانده‌اید؟ چه نکاتی از این کتاب شمارا جذب دین مسیحیت کرد؟ چه فرقی بین تصویر دنیای مسیحیت و اسلام و بقیه مذاهب وجود دارد؟

البته عقیده شخصی من این است که همه مذاهب سر و ته یک کرباسند، خرافه‌اند و هر دینی به حکومت برسد کارش سرکوب و جنایت علیه مردم است. فرقی نمی‌کند کدام دین در قدرت قرار گرفته است. اگر امروز مسیحیت کم‌آزارتر است به این دلیل است که در بسیاری کشورهای دنیا مردم آنرا مهار کرده‌اند، علیه‌اش انقلاب کرده‌اند و از دولت آنرا جدا کرده‌اند و قوانین سکولاری گنزانده‌اند و به همین دلیل مسیحیت دیگر قدرت قرون وسطی را ندارد و گرنه در همین اروپا مسیحیت و کلیساها کم‌جنایت نکرده‌اند. اینجا اما بحث من در مورد دلایل پناهندگی است. اینرا هم اضافه کنم که رویگردانی از مذهب بطور کلی در ایران بسیار گسترده است و ادارات پناهندگی کشورهای غربی از آن مطلعند. و میدانند که کسانی که در ایران ترک دین کرده‌اند، از اعلام علنی آن در ایران بدلیل خطر جانی خودداری کرده‌اند. مواردی هست که افراد بدلیل تبلیغ بی دینی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند و باید همین را بگویند.

به هر حال این‌ها سؤالاتی است که از آن‌هایی که ترک مذهب کرده‌اند و یا آیین دیگری اختیار می‌کنند پرسیده میشود. کیس‌های دیگری هستند که افراد خودشان را از ریشه به یکی از مذاهب غیر از اسلام منتسب میدانند، ولی این به‌خودی خود دلیل کافی برای درخواست پناهندگی آن‌ها به حساب نمی‌آید. مگر اینکه اثبات کنند به همین دلیل در آن کشور شدیداً تحت فشار مقامات امنیتی و یا گروه‌ها و افرادی بوده‌اند که برای آن‌ها خطرناک بوده است.

متقاضیان پناهندگی باید بتوانند از اینکه در دوره‌های متفاوت چگونه تحت تعقیب، آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند تصویر روشنی به مقامات پناهندگی ارائه بدهند و گفته‌های خود را با دقت و بدون تناقض بیان کنند. باید حواسشان باشد که در مقابل پرسش‌های پلیس و کارمندان دولت داستان سرایی نکنند. آن‌آنجایی که گفته‌های شما به عنوان متقاضی پناهندگی ثبت می‌شود و به یک پرونده چند صفحه‌ای تبدیل می‌شود

سعی کنید به پرسش‌های آنها پاسخ گویا و کوتاه بدهید تا هنگام بررسی پرونده‌ها سرتوگفته‌های شما قابل فهم باشد. از آنجایی که بسیاری از متقاضیان پناهندگی از طریق مترجم، داستان زندگی خود را برای مقامات مسئول توضیح می دهند باید سعی کنند مستقل از اینکه مصاحبه کننده به چه ترتیبی سؤالات خود را مطرح می کند، پاسخ‌های خود را با میزان توانایی مترجم، هماهنگ کنند. برای ترجمه گفته‌های خود هماهنگی لازم را به عمل آورید تا مترجم بتواند با دقت حرف‌های شما را ترجمه کند. برخی اوقات مترجم و متقاضی باهم هماهنگ نمی شوند. این ایراد تنها از سر ناآشنایی متقاضیان پناهندگی و عدم توجه آنها به بار حقوقی موضوع مورد بحث نیست. در موارد زیادی عدم توانایی مترجم در ترجمه بعضی از موضوعات باعث می شود که کارمندان دولت و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان جلسه را نیمه کاره قطع کنند. در موارد زیادی متقاضیان پناهندگی، هم در مصاحبه با ادارات دولتی داستان‌سرایی می کنند و داستان زندگی خود را به گونه‌ای ارائه می دهند که از آن نتیجه منفی می گیرند.

**سؤال:** می پرسند سابقه فعالیت سیاسی خود و خانواده تان را توضیح دهید. این سؤال شامل چه نکاتی می شود و چگونه باید به آن پاسخ داد؟

**عبدالله اسدی:** این سؤال در واقع نکات و دلایل مهمی را برای پذیرش شما به عنوان متقاضی پناهندگی در برمی گیرد. ولی نحوه طرح و بیان این نکات در برابر سؤالاتی که کارمندان دولت و یا وکلای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل از متقاضیان پناهندگی مطرح می کنند بسیار مهم و تعیین کننده است. برای مثال آنها ممکن است بعضاً به طور پراکنده و نامنسجم سؤالات خود را مطرح کنند و این پراکندگی باعث شود که نکات و دلایل منسجمی که شخص متقاضی در نظر گرفته است ریتم و حالت انسجام خود را از دست بدهند. متقاضیان پناهندگی باید علیرغم این موضوع، بتوانند نکات اصلی و تعیین کننده خود را بیان کنند. در این مورد لازم است به نکات زیر توجه شود:

معیارهای پذیرش پناهنده در کمیساریای عالی سازمان ملل و در کشورهای پناهنده پذیر این است که شخص متقاضی پناهندگی دارای نکات و دلایل مهمی برای درخواست پناهندگی خود باشد و بتواند توضیح دهد برای مثال اگر به جرم فعالیت سیاسی و حقوق بشر و غیره تحت تعقیب بوده چه نوع فعالیتی و یا مسئولیتی داشته است. برای مثال می پرسند آیا در حزبی و یا سازمان و تشکلی عضویت داشته اید که دولت نسبت به حضور و رفتار و فعالیت شما حساسیت نشان داده باشد؟ منظورم این است که توقع دولت‌ها و کمیساریای

عالی پناهندگان سازمان ملل این است که هر فرد متقاضی پناهندگی این است که هنگام درخواست پناهندگی برای آنها روشن کند که چرا و به چه دلایلی مورد توجه مراجع قضائی و امنیتی کشور محل زندگی خود قرار گرفته است؟ برای مثال می پرسند آیا قبلاً با یک جریان سیاسی یا سازمان و تشکل کارگری فعالیت و یا مسئولیت داشته اید یا نه؟ یا می پرسند در تشکل های دانشجویی، تشکل های مدافع حقوق زنان، در انجمن های قانونی و غیرقانونی چه؟ سابقه سیاسی در جنگ مسلحانه، سابقه زندان، سابقه خبرنگاری، سابقه فعالیت در سازمان های مدافع حقوق بشر، روزنامه نگاری و ویلاگ نویسی چه؟ هر کدام از اینها جزو مهم ترین شاخص های پذیرش پناهندگان هستند. اگر قرار باشد کسی در کشورهای اروپایی یا کانادا، استرالیا و یا دفاتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل درخواست پناهندگی سیاسی کند باید بر مبنای یکی از این شاخص ها و معیارها تقاضای پناهندگی خود را ارائه بدهد یعنی هر فرد متقاضی پناهندگی باید دلیل خاصی برای درخواست پناهندگی خود ارائه دهد برای مثال شما نمی توانید از کشور هلند بدلیل اینکه از هلند خوشت آمده تقاضای پناهندگی کنید باید توضیح بدهید و ثابت کنید که به دلیل ترس از مورد ظلم قرار گرفتن درخواست پناهندگی کرده اید.

برای اثبات هر کدام از آنها لازم است تاریخ پیوستن به آن را دقیق توضیح دهید. برای اولین بار جهت پیوستن به هر کدام از آنها با چه افرادی تماس گرفته بودید؟ چه سمتی در آن تشکل داشتید آیا فقط عضو بودید یا نقش رهبری کننده هم داشتید؟ هر مسئولیت دیگری که در آنها داشته اید با دقت در مصاحبه خود با وکیل و یا کارمندان دولت بیان کنید. متقاضیان پناهندگی باید به این نکته هم توجه داشته باشند که از نظر مقامات امور پناهندگی تنها دلایل عضویت فرد در یک تشکل سیاسی برای اثبات اینکه در کشور خود تحت تعقیب بوده کافی نیست. شرط این است که شخص متقاضی پناهندگی در آن تشکل نقش رهبری و هدایت کننده داشته است یا نه؟ این در حالی است که در ایران در طول حاکمیت جمهوری اسلامی هزاران نفر فقط به خاطر عضویتشان در احزاب اپوزیسیون به جوخه های اعدام سپرده شده اند. برای وزارتخانه ها و مقامات و مراجع پناهنده پذیر مهم این است که علاوه بر عضویت در هر کدام از احزاب و نهادها و تشکل ها و غیره که اشاره کردم، شخص متقاضی پناهندگی نشان دهد فرد شناخته شده ای برای ارگان های سرکوب بوده است. البته این نظر و توصیه من به متقاضیان پناهندگی نیست، من دارم معیارهای آنها برای پذیرش پناهندگان را توضیح می دهم. آنها می خواهند بدانند شما چه خطری برای دولت داشتید که تحت تعقیب قرار گرفته اید؟ در کل معیار آنها برای پذیرش درخواست پناهندگی این است که ثابت کنید که جانتان در خطر بوده است.

مقامات دولتی در مصاحبه های خود با متقاضیان پناهندگی در بسیاری از موارد از انگیزه فعالیت در نهادهای فوق سؤال می کنند، بنابراین به همان درجه که آنها این موضوع را جدی می گیرند و تلاش می کنند دلایل پناهندگی متقاضیان را ضعیف و بی اعتبار جلوه دهند، متقاضیان پناهندگی نیز باید به همان اندازه جدی و سراسر و مستقل حرف بزنند و از دلایل درخواست پناهندگی خود دفاع کنند.

آنها می خواهند بدانند اگر کسی سابقه زندان داشته چند مورد و در چه تاریخهایی زندانی بوده است؟ زندان و یا زندانهایی که شما در آن زندانی بوده اید در کدام شهر و یا شهرها قرار دارد؟ چند روز، چند ماه و یا چند سال زندانی بودید؟ زندان و یا بازداشتگاهی که شما در آن نگاهداری می شدید در کجا قرار دارد؟ آیا در زندان مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفته بودید؟ می پرسند آیا مدارکی را که نشان دهد شما در زندان بوده اید به همراه دارید؟ آیا می دانید جای که شما زندانی بودید چند زندانی در آن زندان نگهداری می شدند؟ آیا در زندان شاهد شکنجه یا اعدام دیگران بوده اید؟ اگر بوده اید شاهد شکنجه و یا اعدام کدام یک از زندانیان بوده اید؟ آیا در طول پروسه زندان تقاضای مرخصی کرده اید؟ چند روز مرخصی گرفته بودید و در چه تاریخی؟ بعد از چند وقت از زندان آزاد شدید؟ می خواهند بدانند با قید ضمانت آزاد شدید یا حکم زندان شما به پایان رسیده بود؟ می خواهند بدانند در زندان اجازه ملاقات داشته اید یا نه؟ در کدام زندان و در چه بندی بودید؟ به چه جرمی زندانی شده بودید؟ می خواهند بدانند نحوه دستگیری شما چگونه بوده؟ آیا برای شما نامه (احضاریه) فرستادند، در محل کار دستگیر شدید یا در منزل و یا در حال اعتراض در دانشگاه، اداره و یا محل کار؟ می خواهند بدانند زمان و ساعت بازداشت شما کی بوده؟ مأمورینی که شمارا دستگیر و یا جلب کردند چند نفر بودند؟ برای آنها مهم است که بدانند شما که از زندان آزاد شده بودید، چه لزومی داشت بعد از آزادی از زندان و پایان دوره محکومیتتان از کشور خارج شوید؟ معلوم است در سیستم قضائی جمهوری اسلامی هیچ تضمینی نیست که پرونده سازی نکنند و دوباره شما را به زندان برنگردانند باید همین را گفت.

در ایران نیروها و گروه های فشار و ضد مردمی متعددی وجود دارد، بستگی به این دارد که شما به چه جرمی بازداشت شده و یا تحت تعقیب قرار گرفته باشید و از سوی کدام نهاد دولتی؟ برای مثال نیروی انتظامی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مفسد اجتماعی، لباس شخصی ها، وزارت اطلاعات، پلیس آگاهی، نیروی انتظامی، ارتش، جاسوس خانها، خواهر زینبها، فاطمی کماندوها، سازمان بسیج و سپاه پاسداران، بسیج دانشجویی و بسیاری دیگر از این قماش هستند. وکلای سازمان ملل و مسئولین و مقامات اداری با ترکیب این نیروها و وظایف آنها آشنایی دارند. میدانند که هر کدام از این نیروها وظایف متفاوتی دارند.

برای آنها مهم است که بدانند افراد و اشخاص دیگری نیز در ارتباط با شما دستگیر و یا بازداشت شده‌اند و می‌خواهند از آنها شناخت کامل بدهید. می‌خواهند بدانند هنگام تفتیش منزل شما مأمورین اسناد و یا مدارکی که جرم شما را اثبات کند با خود برده‌اند یا نه؟

### سؤال: منظورشان از چنین اسنادی چه است؟

**عبدالله اسدی:** عمدتاً منظورشان اسناد و مدارکی از قبیل کتاب، نشریه، CD، هاردیسک کامپیوتر، دفتر صورت‌جلسه، نوار سخنرانی، کتاب‌های ممنوعه، اطلاعاتیه و نشریات و غیره است. توجه داشته باشید که کارمندان دولت و وکلای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل از محتوای اسناد و مدارکی که مأمورین امنیتی از متقاضیان پناهندگی گرفته‌اند می‌پرسند تا بدانند اسنادی که مأمورین با خود برده‌اند چقدر مهم و یا کم‌اهمیت بوده‌اند؛ بنابراین کارمندان مسئول رسیدگی به پرونده متقاضیان پناهندگی در این مورد با جزئیات سؤال می‌کنند و پاسخ درست و قانع‌کننده می‌خواهند. می‌خواهند بدانند در آن CD ها فیلم و سخنرانی چه کسانی بوده است و چه محموله‌های "غیرقانونی" را با خود برده‌اند. می‌خواهند بدانند در اثر داشتن این مدارک و محموله‌ها چه اتفاق مهمی ممکن بوده برای فرد متقاضی پناهندگی بیفتد. می‌پرسند: آنها را از چه سازمانی و از چه شخصی دریافت کرده بودید؟ در همین رابطه مصاحبه‌کننده از متقاضیان پناهندگی می‌پرسد: شما که می‌دانستید این اسناد و مدارک نمی‌بایست به دست پلیس امنیتی بیفتد چرا آنها را در دسترس گذاشته بودید؟ بعضی اوقات متقاضیان پناهندگی به مسائل و دلایلی اشاره می‌کنند که با قوانین بسیار ظالمانه‌ای که در ایران وجود دارد همخوانی ندارد و چه بسا به‌حکم همان دلایل نادرست به درخواست پناهندگی آنها پاسخ منفی می‌دهند. برای مثال بارها دیده شده است متقاضیان پناهندگی عنوان کرده‌اند که بنا به یک سری اتهامات از قبیل توهین به فلان آخوند و یا توهین به مقدسات و یا در حال رابطه جنسی خارج از ازدواج بازداشت شده‌اند ولی بعد از ۲۴ ساعت به قید ضمانت آزاد شده‌اند بارها تجربه کرده‌ایم مسئولین و کارمندان مصاحبه‌کننده به این نوع استدلال‌ها پاسخ رد داده‌اند و به آنها گفته‌اند: ادارات مهاجرتی و پناهندگی با قوانین ظالمانه در ایران آشنایی کافی دارند، به همین دلیل اگر مسائلی که شما مطرح کرده‌اید واقعیت می‌داشت نه تنها بعد از ۴ ساعت با قید هیچ‌گونه ضمانتی آزاد نمی‌شدند، بلکه به چندین سال زندان و یا مجازات مرگ محکوم می‌شدید. این‌ها همه بخش‌هایی از تناقضاتی است که متأسفانه متقاضیان پناهندگی در بسیاری از موارد در توضیح دلایل درخواست پناهندگی‌شان وجود دارد و آنها را دچار

مشکل می کند.

**سؤال:** می پرسند نحوه فرارتان از کشور به چه صورتی بوده؟

**عبدالله اسدی:** خوب در این مورد می خواهند بعنوان متقاضی پناهندگی برای آنها توضیح بدهید به چه وسیله‌ای و از چه طریقی از کشور خارج شده اید؟ قاچاقچی را چگونه پیدا کردید؟ نام قاچاقچی شما چه بوده است؟ آیا از ایران تا کشوری که هدف درخواست پناهندگی شما بوده همان قاچاقچی را به همراه داشته اید یا سفر شما اساساً به صورت دیگری انجام شده است؟ می پرسند چند روز طول کشید تا به کشور مورد نظر رسیدید؟ از چه طریقی و از چه مرزهایی؟ هوایی، زمینی، دریای و یا با ویزا و به طور قانونی؟ مدارکی که با آن سفر کرده‌اید مربوط به کدام کشور بوده است؟ عکس روی پاسپورت شما عکس واقعی خودتان بود و یا شبیه سازی شده بود؟ به هر حال از رنگ پاسپورت تا اسم قاچاقچی و مبلغ پولی که به وی پرداخت شده است سؤال می کنند. در همینجا لازم است یادآوری کنم که **زنان در ایران قانوناً** بدون رضایت همسر، حق دریافت پاسپورت و خروج از کشور را ندارند. چه بسا در بسیاری از موارد اساسی ترین عامل پناهندگی زنان، به دلیل تهدید همسران و در کل مردان خانواده عنوان می شود. زنانی که چنین دلایلی برای درخواست پناهندگی خود مطرح می کنند باید چگونگی این پروسه را در مصاحبه‌های خود با مقامات دولتی و کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان توضیح دهند. برای مثال اگر بدون رضایت همسران خود اجازه دریافت پاسپورت و خروج از کشور را ندارند چگونه توانسته اند پاسپورت بگیرند؟

**سؤال:** ما هر ساله شاهد درخواست پناهندگی از سوی زنان زیادی از ایران هستیم. آنها عمدتاً به چه دلایلی از ایران خارج می شوند؟ دلایل درخواست پناهندگی آنها عمدتاً چیست؟

**عبدالله اسدی:** تا آنجایی که به ایران مربوط می شود زنان عمدتاً به دلیل شرایط سخت و زندگی اسارت بار و قید و بندهای اجتماعی و ناامنی‌های عمومی و وجود قوانین تبعیض آمیز، از کشور خارج می شوند و درخواست پناهندگی می کنند. این نوع دلایل مورد به مورد بررسی می شوند. پذیرش یا عدم پذیرش هر کدام از آنها نیز بستگی به این دارد که بر مبنای تشخیص ادارات امور پناهندگی در صورت بازگشت، هر کدام از آنها با چه خطراتی مواجه خواهند بود. درخواست پناهندگی آنها به طور فردی بررسی می شود. بسیاری از آنها از سوی مردان خانواده برای مثال شوهر، پدر، برادر و طایفه و بسیاری از موارد و مسائل دیگر و یا به

دلیل مقاومت آن‌ها در مقابل قید و بندهای اجتماعی و ازدواج‌های اجباری، خشونت‌های خانوادگی، سنت‌های ضد زن و نبودن قوانین حمایت از آن‌ها و رواج فرهنگ مردسالار در ایران و سخت‌گیری‌های مردان برای طلاق و عدم تعلق قانونی حق حضانت فرزندان به آنان و بسیاری دلایل دیگر در خارج از مرزهای ایران تقاضای پناهندگی می‌کنند.

قبلاً اشاره کردم، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و دولت‌های غربی بعضاً به این نوع کیس‌ها به عنوان مشکل فرهنگی و تعصبات خانوادگی نگاه می‌کنند و تمایل زیادی به پذیرش آن‌ها به‌عنوان پناهنده نشان نمی‌دهند. بنابراین این دسته از متقاضیان پناهندگی باید با دلایل و شواهد و مدارک کافی برای اثبات حق خود وارد پروسه پناهندگی شوند. طرح مسائل و مشکلات به شکل کلی و سر بسته پاسخ نمی‌دهد. هرکس باید بتواند شرایط سخت و غیرقابل تحمل و تاریخچه زندگی خود را به وکلا و مقامات امور پناهندگی با دقت تشریح کند هر یک باید دارای شواهد و مدارکی باشند که نشان دهد زندگی‌شان مرگبار و غیرقابل تحمل بوده است. و یا مدارکی را به همراه داشته باشند که نشان دهد کارشان به مراجع قضایی کشیده شده است و به دلیل وضعیت خطرناکی که برایشان پیش آمده از کشور خارج شده‌اند.

زنانی که مورد بدرفتاری و تجاوز و هتک حرمت قرار می‌گیرند، باید بتوانند چگونگی شکل‌گیری و وقوع این اتفاقات را از ابتدا تا به آخر توضیح دهند و اگر مدارکی برای اثبات دلایل خود دارند در اختیار مقامات مسئول پرونده و وکیل مدافع خود قرار دهند. اگر از سوی مأمورین دولتی و یا هر عنصر دیگری مورد هتک حرمت قرار گرفته‌اند با ذکر اسم و مشخصات و تاریخ، کلیه اتفاقات را توضیح دهند. در این مورد به همراه داشتن مدارک هویت مثل شناسنامه و کارت ملی هم مربوط به بزرگسالان و هم مربوط به فرزندان بسیار مهم است. نکته دیگر داشتن پاسپورت و درخواست ویزاست، قبلاً در این مورد اشاره کرده‌ام. با توجه به طرح و سیاستی که اتحادیه اروپا از دوم اکتبر سال ۲۰۱۲ در خارج از اتحادیه اروپا به اجرا گذاشت، کسانی که از طریق ویزا به یک کشور اروپایی وارد می‌شوند چنانچه بخواهند در یکی از کشورهای محدوده شنگن درخواست پناهندگی کنند بهترین گزینه این است که در همان کشور صادرکننده ویزا درخواست پناهندگی بدهند و پاسپورتشان را هم به مقامات اداری تحویل دهند. چون متقاضیان پناهندگی چه پاسپورتشان را رو کنند یا نکنند مقامات مسئول می‌فهمند که شخص مورد نظر از طریق ویزا وارد شده است. در غیر این صورت نسبت به ارائه دلیل پناهندگی آن‌ها سلب اعتماد می‌کنند. در هر حال مراجع دولتی و پناهنده پذیر پرونده و دلایل پناهندگی متقاضیانی که از راه قانونی وارد شده‌اند را همچون کیس‌های دیگر به طور فردی



بررسی می‌کنند و برای اثبات اینکه جان و آزادی شان درخطر بوده عمدتاً از آن‌ها مدارک می‌خواهند. اجازه بدهید در همین جا اشاره کنم که تا قبل از دوم اکتبر ۲۰۱۲ هر کس می‌توانست با ویزای هر کدام از کشورهای محدوده شنگن وارد اتحادیه اروپا شود و علاوه بر کشور صادرکننده ویزا، می‌توانست در هر کدام از کشورهای این اتحادیه درخواست پناهندگی کند بدون اینکه مشخص شود فرد متقاضی پناهندگی با ویزای کشور دیگری وارد محدوده اتحادیه اروپا شده است. چون تا آن موقع تنها سفارت‌خانه‌های فرانسه و انگلیس بودند که از متقاضیان ویزا اثرانگشت می‌گرفتند؛ اما الآن همه سفارت‌خانه‌های کشورهای محدوده شنگن از متقاضیان ویزا اثرانگشت می‌گیرند و در هر کدام از آن‌ها درخواست پناهندگی کنند فوراً ردیابی می‌شوند و از همان ساعت اول پروسه پناهندگی شان را در آن کشور متوقف می‌کنند.

**سؤال:** گفته می‌شود کسانی که به طور قانونی و با ویزا از کشور خارج شده‌اند نمی‌توانند دلایل و مدارک معتبری برای درخواست پناهندگی خود ارائه دهند. توضیح شما در این مورد چیست؟

**عبدالله اسدی:** داشتن پاسپورت به‌خودی خود شخص پناهجو را از درخواست پناهندگی محروم نمی‌کند. دریند ۸۰۰۰۰۰ کوانسیون ژنو مصوب ۱۹۵۱ در مورد شاخص‌های پذیرش پناهندگان آمده است، داشتن پاسپورت در تمام موارد نشانه نداشتن ترس افراد از اینکه مبادا حقوق انسانی شان نقض شود نیست. در همین بند اضافه می‌کند، حتی ممکن است پاسپورت را آگاهانه برای شخصی صادر کنند تا امکان خروج وی را از کشور فراهم کنند، ولی در همین مورد می‌گوید این در صورتی است که دولت خواهان حضور و ماندن فرد مورد نظر در کشور نباشد و یا در مواردی ممکن است پاسپورت به صورت مخفیانه صادر شود. من هم می‌خواهم اضافه کنم که در بسیاری از کشورهای مثل ایران با پرداخت پول به مقامات دولتی و عمدتاً مرزبانان کشور، شرایط را برای رد کردن افراد ممنوع‌الخروج فراهم می‌کنند. این موضوع در سایت پلیس بین‌الملل (اینترپل) نیز درج شده است. علاوه بر این در ایران فضا در همه‌جا پلیسی است برای مثال در دانشگاه‌ها گروه‌های حراستی و کمیته‌های انضباطی وجود دارد، در محل کار و مجتمع‌های کارگری حراست کارخانه و عوامل کارفرما و انواع سیستم‌های پلیسی و جاسوسی سازمان داده شده است. وزارت اطلاعات خودش یک نیروی مخوف و یک دستگاه پلیسی پیچیده و دارای نیرو و امکانات شنود و کنترل و ردیابی است، نیروی انتظامی، بسیج، لباس شخصی‌ها، آگاهی و منکرات و امریه معروف، دانشجویان بسیجی انصار حزب الله و غیره، نیروهایی هستند که در بسیاری اوقات بدون هماهنگی باهم خانه گردی می‌کنند، دستگیر می‌کنند، بازداشت و زندانی می‌کنند و افراد را تحت پیگرد قرار می‌دهند. در دل چنین سیستمی روزانه

ممکن است دهها نفر تحت پیگرد قرار بگیرند بدون اینکه حتی هیچ وقت رسماً ممنوع‌الخروج شوند. این‌ها همه دلایل واقعی و مهمی هستند که آن‌هایی که به صورت قانونی خارج می‌شوند می‌توانند برای اثبات دلایل خروج قانونی خود به آنها استناد کنند. مقامات دولتی و پناهنده‌پذیر و وکلای پناهندگان به این امر واقف هستند که در کشور ایران عمده‌تاً کسانی را ممنوع‌الخروج می‌کنند که چهره‌های مشهوری بوده باشند که دولت به حضور و نحوه فعالیت آن‌ها حساس باشد و همه افرادی که از سوی گروه‌های فشار و خودسر تحت تعقیب و پیگرد قرار می‌گیرند ممنوع‌الخروج نمی‌شوند.

**سؤال:** کارمندان دولت و وکلای امور پناهندگان همیشه از متقاضیان پناهندگی می‌پرسند آیا مدارکی به همراه خود دارید؟ منظور آن‌ها از مدارک چیست؟ در این مورد توصیه شما چیست؟ مقررات قانونی چه می‌گوید؟

**عبدالله اسدی:** مدارکی که آن‌ها از پناهجویان طلب می‌کنند معمولاً پاسپورت، شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه، سند ازدواج، مدارک تحصیلات و طلاق نامه است. داشتن همه این مدارک برای اثبات هویت لازم نیست مثلاً داشتن شناسنامه و کارت ملی کافی است. مدارک دیگری که برای ادارات امور پناهندگی مهم است مدارکی است که نشان دهد فرد متقاضی پناهندگی در کشور محل زندگی خود مشکل امنیتی داشته است. داشتن چنین مدارکی برای مقامات امور پناهندگی بسیار مهم است. هویت متقاضیان پناهندگی تنها با در اختیار گذاشتن چنین مدارکی مورد تأیید قرار می‌گیرد. به همین خاطر متقاضیان پناهندگی لازم است قبل از درخواست پناهندگی مدارک فوق را به همراه داشته باشند و یا تا قبل از دادگاه و مصاحبه اصلی به فکر تهیه آن‌ها باشند. درعین حال لازم است به این نکته هم اشاره کنم که متقاضیان پناهندگی نباید از قبل قول مدرکی را به وکلا و مسئولین بدهند که بعداً نتوانند آن را تهیه و آماده کنند بعلاوه باید برای به همراه نداشتن هر کدام از مدارک فوق دلیل قانع‌کننده‌ای داشته باشند.

**سؤال:** می‌پرسند چرا و به چه صورت فعالیت سیاسی و سازمانی شما لو رفته است؟

**عبدالله اسدی:** در این مورد ممکن است سؤالات متعددی را مطرح کنند. برای مثال می‌پرسند چه مدارکی از شما به دست آورده بودند؟ شکل فعالیت سیاسی و سازمانی شما چگونه بوده؟ علنی، نیمه‌علنی و یا کاملاً مخفی؟ با چه سازمانی فعالیت می‌کردید؟ تاریخ‌آشنایی و شروع فعالیت شما با این سازمان از کی

بوده؟ این آشنایی از چه طریقی صورت گرفته است؟ از طریق روزنامه، نشریه، رادیو، سایت‌های اینترنتی و یا اشخاص و عناصر فعال سازمان مربوطه؟ کدام يك؟ این‌ها همه سؤالات مهمی هستند که وکلا و کارمندان دولت از افرادی که برای درخواست پناهندگی شان دلایل سیاسی و سازمانی ارائه می دهند با دقت می پرسند و باید با دقت و در کمال خونسردی و با دانش کافی به آن‌ها پاسخ دهند.

**سؤال:** می پرسند حال روحی شما چگونه است. منظورشان از این سؤال چیست؟

**عبدالله اسدی:** می خواهند ببینند شرایط روحی و جسمی و فکری شما در چه وضعیتی است؟ برای مثال می خواهند بدانند اگر شما جزو بازماندهگان يك حادثه دریایی و یا فرار از جنگ و زندان و تهدید و اتفاقات دیگری از این دست بوده اید و خبر ندارید چه به سر خانواده و اطرافیان و همکارانتان و یا کسانی که شرایطی مشابه شما را داشته اند، آمده و چه تاثیری بر روح و روان شما داشته است؟

**سؤال:** می پرسند مذهب شما چیست؟

**عبدالله اسدی:** باید توجه داشته باشند که پاسخ به این سؤال نباید با دلایل پناهندگی شخص متقاضی در تناقض باشد. ممکن است خانواده فرد متقاضی سنتاً به يك مذهب تعلق داشته باشند ولی خود فرد اعتقادی به آن مذهب نداشته باشد؛ بنابراین بهتر است همین طور که بوده بیان کنند نه اینکه هر بار به‌گونه‌ای به چنین سؤالاتی پاسخ بدهند. درعین حال بسیاری از متقاضیان پناهندگی اصلاً به دلیل روی برگرداندن از مذهب و یا اختیار کردن مذهب دیگری تحت تعقیب قرار می گیرند و دلایل فرار و درخواست پناهندگی شان همین است.

**سؤال:** مسئولین هنگام مصاحبه با متقاضیان پناهندگی عمدتاً از آن‌ها مدار کی می خواهند که نشان دهند که در دستگاه‌ها و مراجع قضایی و امنیتی ایران پرونده داشته‌اند. نظر شما در این مورد چیست؟

**عبدالله اسدی:** بله منظور مدار کی است که نشان دهد در فاصله زمانی‌ای که افراد متقاضی با مشکل مواجه بوده اند، از سوی مراجع قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی حکم احضار دریافت کرده و از مراجعه به نهادهای قضائی و امنیتی به دلیل ترس از بازداشت و دریافت محکومیت خودداری کرده‌اند. به علاوه مدارک دیگری از متقاضیان پناهندگی می خواهند که نشان دهد شخص متقاضی جهت دفاع از جان و امنیت خود و رسیدگی به موضوع مورد مناقشه شکایت کرده ولی به شکایت وی رسیدگی نشده است. یا اگر شکایت می

کرد به زیان خودش تمام می‌شد. برای مثال بسیاری از این کیس‌ها کیس‌های زانی است که از طریق همسر، برادر، نامزد و دوست پسر و پدر و غیره مورد اذیت و آزار و خشونت ناموسی و خانوادگی قرار می‌گیرند. این‌ها در بسیاری از موارد شکایت نمی‌کنند چون به شکایت آن‌ها رسیدگی نمی‌شود و یا اگر شکایت کنند حتی ممکن است به ضررشان تمام شود و یا از طرف دولت مورد حمایت قرار نگیرند. متقاضیان زن لازم است در مصاحبه‌های خود این مسائل را مطرح کنند چون در قوانین اسلامی عملاً هیچ جایی برای دفاع از حقوق زنان وجود ندارد. باید گفته شود در سیستم قضائی جمهوری اسلامی اصل بر براءت نیست بلکه اصل بر قوانین الهی و شرع اسلام است. زانی که در ایران کرور کرور مورد تجاوز و بدرفتاری و هتک حرمت قرار می‌گیرند در صورت شکایت در برابر خانواده و افکار عمومی و قوانین حاکم بر جامعه، مصونیت حقوقی ندارند؛ بنابراین، این دسته از متقاضیان پناهندگی لازم است در مصاحبه خود با وکلا و مراجع پناهنده‌پذیر با جزئیات مسائل پیش‌آمده و تأثیرات خردکننده آن بر روح و روان خود را توضیح دهند. بعلاوه زانی که دارای این نوع دلایل هستند لازم است با دقت، کلیه ماجرا را تا آنجا که مقدور است با ذکر تاریخ و زمان و محل و چگونگی آن توضیح دهند. مثلاً اتفاقاتی که به جرم رابطه خارج از ازدواج رخ داده باشد، آن‌ها با جزئیات در موردش سؤال می‌کنند و متقاضیان هم لازم است با جزئیات، ماجرا را توضیح دهند.

**سؤال:** مقامات و وکلای امور پناهندگی برای روشن شدن هرچه دقیق‌تر دلایل درخواست پناهندگی افراد، می‌خواهند شناخت بیشتری از آن‌ها پیدا کنند، برای مثال بارها دیده‌ایم که زنان به دلایل ناموسی و به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج و عواقب خطرناک آن از کشور خارج می‌شوند. این دسته از پناهجویان چگونه باید پاسخ بدهند و اساساً در این مورد چه چیزهایی از آن‌ها می‌پرسند؟

**عبدالله اسدی:** خیلی ساده می‌پرسند با چه اشخاصی "رابطه نامشروع" و یا خارج از ازدواج داشتید؟ اسم و مشخصات مردی که با وی رابطه برقرار کرده بودید با جزئیات توضیح دهید. می‌پرسند رابطه شما با این مرد با توسل به زور صورت گرفته بود یا با موافقت خودتان؟ در پی چنین رابطه‌ای چه اتفاقی برای شما افتاد؟ چه کسی یا کسانی متوجه رابطه شما شده بودند؟ برای مثال شوهر، برادر، پدر و یا غیره؟ چه عکس‌العملی در این مورد نشان دادند؟ عکس‌العمل شما چه بود؟ بعداً چه اتفاقی برای شما افتاد؟ آیا پدر و مادر و خانواده مردی که با وی رابطه داشتید می‌شناسید؟ کجا زندگی می‌کنند؟ این مرد چند سالش بود؟ متأهل بود یا مجرد؟ دارای فرزند بود یا نه؟ اسم و مشخصات فرزندانش را می‌دانید؟ آیا او هم موقعیتش در خطر است؟ اگر

آری از سوی دولت موقعیتش در خطر است یا از طرف شوهر و بستگان شما؟ از وی شکایت شده یا نه؟ از شما چطور؟ آیا کار شما به مراجع قضائی کشیده شده بود یا نه؟ آیا مدرکی برای اثبات آن به همراه دارید؟ حتی در بسیاری از موارد می پرسند آیا شما را در حال رابطه جنسی دیده اند؟ و سوالات دیگری از این نوع. می پرسند آیا مردی که با شما بوده فرار کرده یا دستگیر و محکوم به زندان شده است؟ در ضمن از شغل و میزان تحصیلات و محل زندگی در ایران و سمت و موقعیت شخصی وی و بسیاری از مسائل و چگونگی آشنایی و تاریخ آشنایی با وی را از شخص متقاضی پناهندگی با جزئیات می پرسند؛ بنابراین، این دسته از متقاضیان نیز لازم است با شناخت کافی از کل ماجرا با مقامات و مراجع پناهنده پذیر صحبت کنند.

بمعاوضه اگر در این مورد شکایتی شده و کار به دستگاههای قضائی کشیده شده باشد برای اثبات این موضوع از شما سؤالاتی می پرسند. مقامات رسیدگی به امور پناهندگان معمولاً می پرسند آیا تهدید شده بودید؟ چه نوع تهدیدی؟ تهدید به کشتن از طریق سلاح گرم یا سرد یا به شکل دیگری؟ کدامیک؟ می پرسند چگونه توانستید فرار کنید و جان سالم به در ببرید؟ به کجا رفتید و از چه کس یا کسانی کمک گرفتید؟ چند وقت طول کشید تا از کشور خارج شدید؟ قانونی یا غیرقانونی از کشور خارج شدید؟ از کسانی که مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند می پرسند آیا خانواده و بستگانتان را از این واقعه باخبر کرده بودید یا خیر؟ برخوردشان با این موضوع چگونه بود؟ کدامیک از اعضای خانواده به شما کمک کردند و کدام یک احساس می کردند که شرف و ناموس و غیرتشان به دلیل این موضوع بریاد رفته؟ پس از آنکه کشور خود را ترك کردید نسبت به دوستان و خانواده و دیگران که در آنجا مانده اند احساس گناه می کنید؟ احساس می کنید به آنها مدیون هستید؟ اگر پاسخ مثبت است تا آنجا که می توانید آن را بازو توضیح دهید. چه زمانی شما به این فکر افتادید که کشور خود را ترك کنید؟ در این رابطه چه احساسی داشتید؟ چه سالی پاسپورت گرفتید؟ پاسپورتتان را با اجازه شوهر گرفتید؟ آیا اداره گذرنامه پاسپورت شما را به آدرس منزلتان پست کرده بودند یا خودتان آن را در اداره گذرنامه تحویل گرفتید؟

## بخش سوم: هم جنس گرایان (دگرباشان جنسی)

**سؤال:** بارها دیده ایم که درخواست پناهندگی هم جنس گرایان، دوجنسگرایان و ترنس جندرها از سوی دفاتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و وزارتخانه‌ها و ادارات مربوط به امور پناهندگان در کشورهای غربی پاسخ منفی می‌گیرند. توصیه شما در این مورد چیست؟ از هم جنس گرایان ایرانی عمدتاً چه سؤالاتی مطرح می‌کنند؟ آیا آن‌ها هم باید مدرک نشان بدهند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند؟

**عبدالله اسدی:** از آنجایی که دلایل پناهندگی يك امر شخصی محسوب می‌شود، بله هم جنس‌گرایان و ترنس جندرها و دوجنسگرایان هم باید دلایل کافی داشته باشند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند. در بسیاری از موارد از آن‌ها هم خواسته می‌شود برای اثبات دلایل تقاضای پناهندگی خود مدارک نشان بدهند ولی بستگی به این دارد که هر فرد چگونه دلایل خود را بیان می‌کند و به سؤالاتی که کارمندان امور پناهندگی در این خصوص مطرح می‌کنند پاسخ دهد همچنین بستگی به این دارد که فردی که دلایل ترنس جندر و یا هم جنس‌گرایی برای درخواست پناهندگی خود مطرح می‌کند قبلاً در چه وضعیتی قرار داشته است؟ برای مثال باید ببینند فرد هم جنس‌گرا قبلاً به همین منظور دستگیر و یا زندانی و یا تحت تعقیب بوده است یا نه. باید ببینند شرایط وی در میان خانواده و دوستان و اطرافیانش چگونه بوده است؛ می‌پرسند از کی متوجه تمایلات جنسی خود شدید؟ آیا این موضوع را با خانواده و بستگانتان در میان گذاشته بودید؟ برخورد آن‌ها به این موضوع چگونه بوده؟ آیا خیلی راحت با شما کنار آمدند یا برایشان غیرقابل قبول بود؟ آیا همه اعضای خانواده عکس‌العمل منفی به این موضوع نشان دادند؟ در بسیاری از موارد همه اعضای خانواده مثل هم به این موضوع عکس‌العمل منفی نشان نمی‌دهند. ولی فضای عمومی و فرهنگ غالب در مورد هم جنس‌گرایان و دوجنسگرایان در کشورهای اسلام زده و به ویژه در ایران تحقیرآمیز و به شدت تبعیض‌آمیز است و به عنوان يك فرد منحرف و بیمار به آن‌ها نگاه می‌کنند. اعضا و بستگان خانواده‌ها از اینکه اطرافیانشان بفهمند فرزندشان هم جنس‌گراست وحشت دارند. در بسیاری از موارد از آن‌ها به عنوان يك لکه ننگ بر پیشانی خانواده و بستگان خود نگاه می‌کنند. می‌پرسند هم جنس‌گرایان در ایران چگونه هم دیگر را پیدا می‌کنند؟ آیا آن‌ها کلویی یا محلی برای جمع شدن دارند؟ و بسایت چطور؟ از چه طریقی می‌توانند هم دیگر را پیدا کنند؟ آیا می‌توانند درجایی به طور علنی جمع شوند؟ پلیس از جمع شدن آن‌ها ممانعت نمی‌کند؟ می‌پرسند اگر پلیس دو نفر هم

جنس‌گرا را در حال رابطه جنسی ببیند و دستگیر کند قانوناً چه اتفاقی برای آن‌ها می‌افتد؟ آیا شما تابه‌حال در همین رابطه بازداشت شده بودید؟ خانواده و بستگانتان از بازداشت شما باخبر بودند؟ فهمیدند شما را به چه جرمی بازداشت کرده بودند؟ نزد پلیس اعتراف کردید که هم جنس‌گرا هستید؟ مدرکی در این رابطه دارید؟ دوست پسر یا دوست دختر داشتید؟ اسامی آن‌ها را بگویید؟ چند روز در بازداشت بودید و در کدام بازداشتگاه؟ مأمورینی که شمارا بازداشت کردند در طول آن مدت چگونه با شما برخورد کردند؟ چه حرف‌هایی به شما زدند. شخص هم جنس‌گرا چنانچه در همین رابطه مورد توهین و بی‌احترامی و ضرب و شتم قرار گرفته باشد لازم است در مصاحبه خود با وکیل و مسئول پرونده‌اش موارد فوق را با جزئیات در میان بگذارد. این دسته از متقاضیان پناهندگی باید عنوان کنند که فضای عمومی در ایران در بسیاری از موارد طوری است که چنانچه دوستان و همکاران و همکلاسی‌هایشان خبر پیدا کنند که دوست دیروزی شان هم جنس‌گراست بعضاً روابطشان را با آن‌ها قطع می‌کنند. در واقع هم جنس‌گرایان نه تنها در نزد خانواده و افکار عمومی در ایران پذیرفتنی نیستند، بلکه طبق قوانین اسلامی با آن‌ها به عنوان بیماربرخورد می‌شود. این یک سنت و فرهنگ دیرینه در ایران و در کشورهای اسلام زده در مورد ترنس جندها و هم‌جنس‌گرایان و دو‌جنس‌گرایان است.

برای مثال در دوران هخامنشیان و ساسانیان نیز افراد به جرم هم جنس‌گرایی با مجازات اعدام مواجه می‌شدند. برخی از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران قبل از ظهور زرتشت اجتماعات همجنس‌گرایانه وجود داشته است. من در طول این سال‌ها که در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی فعالیت داشتم با کیس‌های بسیاری از متقاضیان پناهندگی همجنس‌گرای ایرانی مواجه بوده‌ام. در قوانین و در تفکر و سنت‌های اسلامی حتی بر زبان آوردن همجنس‌گرایی منع می‌شود و اگر هم اسم ببرند به آن‌ها همجنس باز گفته می‌شود. احمدی نژاد در اجلاس سازمان ملل در نیویورک همین را گفت: بنابراین کسانی که به عنوان همجنس‌گرا یا به عبارت دیگر دگرباشان جنسی تقاضای پناهندگی می‌کنند باید در نظر داشته باشند که در گفتگو با وکلا و کارمندان ادارات امور پناهندگی با استدلال و با نمودهای روشن در مورد گذشته خود و تبعیضاتی که علیه آن‌ها وجود داشته صحبت کنند.

**سؤال:** آیا پناهجویانی که درخواست پناهندگی شان رد می‌شود می‌توانند از طریق ازدواج اقامت بگیرند؟

**عبدالله اسدی:** خیر. شما به عنوان پناهنده‌ای که به درخواست پناهندگی تان پاسخ منفی داده اند

در صورتی که بخواهید ازدواج کنید و از این طریق اقامت بگیرید طبق قانون و مقررات پناهندگی باید ازدواجتان را در اداره مالیات همان کشور به ثبت برسانید و در دادگاه عقد کنید و بعد به کشور خود برگردید و از طریق سفارت همان کشور پروسه اقامت از طریق ازدواج را سپری و پیگیری کنید.

**سؤال:** اگر شخص متقاضی امکان برگشت به کشور خود را نداشته باشد چطور؟ آیا باز هم اقامتش از طریق ازدواج مورد قبول قرار نمی گیرد؟

**عبدالله اسدی:** خیر. اگر ارزیابی آنها از شما این می بود که در صورت بازگشت به کشور خود با خطر جدی مواجه می شدید به درخواست پناهندگی شما پاسخ منفی نمی دادند دقیقاً درست به همین دلیل به درخواست پناهندگی شما پاسخ منفی می دهند و از این بابت اطمینان حاصل کرده اند در صورت بازگشت به کشور خود "هیچ مشکلی" برای شما پیش نخواهد آمد. بعلاوه برای آنها مهم نیست در صورت بازگشت به کشور خود چه بلایی به سر شما میآید. ولی در خارج از اتحادیه اروپا و کشورهای محدوده شنگن می توانید این پروسه را طی کنید تا از طریق اقامت ازدواجی به همان کشور برگردید. توجه داشته باشید که در بسیاری از موارد این راه حل مورد پذیرش ادارات امور مهاجرت قرار نمی گیرد؛ اما در بعضی از این کشورها چنانچه طرفین دارای فرزندی شوند پروسه بازگشت به کشور خود، در موارد کمتری صورت می گیرد. توجه داشته باشید ازدواج قبل از دریافت جواب منفی می تواند بر شانس متقاضی پناهندگی بیفزاید بدون اینکه نیاز باشد به کشور خود بازگردد؛ اما این هم فقط به صورت يك استثنا است. اجازه بدهید این موضوع را بیشتر توضیح بدهم. هنگام طرح موضوع ازدواج، مقامات امور پناهندگی از شخص متقاضی می پرسند می خواهید پرونده شما از طریق ازدواج مورد بررسی قرار گیرد یا از طریق همان کیس پناهندگی؟ چنانچه از دلایل درخواست پناهندگی خود مطمئن باشید بهتر است اعلام کنید بر اساس پرونده پناهندگی، چون به خودی خود ازدواج هم به عنوان یکی از دلایل اخذ اقامت به حساب میآید، مگر اینکه شخص متقاضی، بر اساس قوانین پناهندگی دلایل کافی ارائه نداده باشد. بنابراین بهتر است به آنها اعلام کنید که هردوی آنها را با هم مورد بررسی قرار دهند.

**سؤال:** کسانی که از دیگر کشورهای اروپایی پاسخ منفی گرفته باشند می توانند در کشور دیگری درخواست پناهندگی بدهند؟

**عبدالله اسدی:** خیر. این دسته از پناهندگان اجازه ندارند در کشور دیگری درخواست مجدد پناهندگی



بدهند دلیلش هم خیلی روشن است. اگر آنها پی ببرند که قبلاً در کشور دیگری درخواست پناهندگی کرده و یا با ویزای کشور دیگری وارد شده است پرونده پناهندگی برایشان تشکیل نمی دهند.

**سؤال:** آیا اقوام و بستگان افرادی که مقیم کشورهای غربی هستند می توانند درخواست اقامت بر مبنای وابستگی خانوادگی بدهند؟ شرایط دریافت اجازه اقامت برای این دسته از پناهجویان چیست؟

**عبدالله اسدی:** بله می توانند اما باید دلایل کافی و قانع کننده به مقامات مهاجرتی ارائه دهند، به شرط آنکه: ۱- آخرین اعضای خانواده باشند، پدر یا مادر پیر و تنهایی باشند که از تأمین زندگی و توان کاری برخوردار نباشد ۲- بدون سرپرست و عدم برخورداری از مراقبت اعضای خانواده و یا سرای سالمندان باشند ۳- فرزند زیر سن قانونی باشند. ۴- از طریق ازدواج اقدام کنند. ۵- زن و شوهر باشند و یکی از آنها اجازه اقامت گرفته باشد در این صورت می توانند از این طریق اقامت بگیرند توجه داشته باشید که هیچ کدام از اینها هم به این سادگی صورت نمی گیرد و ممکن است که هنگام بررسی هر کدام از آنها مورد به مورد باهم متفاوت باشند.

**سؤال:** مقررات دویلین چیست؟

مقررات دویلین یعنی شناسایی و ردیابی پناهندگانی که قبلاً در کشور دیگری درخواست پناهندگی داده اند. گفته می شود از هر ۸ نفر متقاضی پناهندگی در اروپا، یک نفر قبلاً در کشور دیگری تقاضای پناهندگی داده است. از مجموع ۲۳۲'۲۰۵ مورد تقاضای پناهندگی در سال ۲۰۱۲ در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، دقیقاً ۳۱'۳۰۷ مورد مربوط به افرادی بوده است که قبلاً در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا درخواست پناهندگی داده بوده اند. بنا به اطلاعات منتشر شده از سوی کمیسیون اتحادیه اروپا، مشخصات این افراد از طریق "بانک اطلاعاتی «یورو داک»" شناسایی می شود. این مرکز از ژانویه سال ۲۰۰۳ آغاز بکار کرده و در آن اطلاعات پرسنلی افراد و اثر انگشت آنها ثبت و ذخیره می شود. بر اساس معاهدات دویلین در صورتی که فرد متقاضی پناهندگی قبلاً در کشور دیگری تقاضای پناهندگی داده باشد به همان کشور بازگردانده می شود. از نظر کشورهای اروپایی شاهراه اصلی ورود پناهندگان به اروپای غربی یونان و ایتالیا و کشور مالت است. این ردیابی ها فقط از طریق انگشت نگاری و یا کشف ویزای آنها صورت می گیرد. فرد پناهجو تنها در صورتی به کشور دیگری بازگردانده می شود که در آن کشور اثر انگشت داشته و ثبت نام شده باشد. نه اینکه فقط از آن عبور کرده باشد.

نام و مشخصات کسانی که زمانی به هر دلیل در کشور محل اقامت خود از سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی درخواست ویزا کرده باشند تا سال‌های سال در شبکه بایگانی اسناد اداره امور مهاجرین و وزارتخانه‌ها باقی خواهد ماند. به همین دلیل هنگام درخواست پناهندگی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از طریق بانک اطلاعاتی یورو داک تقاضای قبلی افراد مشخص می‌شود و مورد سؤال قرار می‌گیرند. به همین دلیل بهتر است که متقاضیانی که پس از دوم اکتبر ۲۰۱۲ از سفارتخانه‌های هر کدام از کشورهای عضو محدوده شنکن درخواست ویزا کرده‌اند، در مصاحبه خود با مقامات امور پناهندگی آن را مطرح نمایند. به علاوه چنانچه شما قبل از دوم اکتبر ۲۰۱۲ در کشوری که هم اکنون از آن درخواست پناهندگی می‌کنید درخواست ویزا کرده باشید حتی اگر در آن زمان انگشت نگاری هم نشده باشید چون در همان کشور درخواست پناهندگی می‌کنید حتی اگر مربوط به چند سال پیش هم باشد لازم است آنرا نیز با مقامات امور پناهندگی در میان بگذارید. در غیر این صورت خود آن‌ها تشخیص می‌دهند و نسبت به دلایل دیگر تان نیز سلب اعتماد می‌کنند. شما به عنوان متقاضی پناهندگی لازم است برای مقامات دولتی توضیح دهید که به چه دلیلی قبلاً درخواست ویزای آن کشور را کرده بودید؟

### سؤال: شرایط پذیرش متقاضیان پناهندگی بدلیل بیماری چیست؟

**عبدالله اسدی:** شرایط اولیه برای کسانی که دلایل بیماری برای درخواست اقامت خود ارائه می‌دهند این است که قبلاً خود را به کشورهای مورد نظر رسانده باشند. دوم اینکه دارای مدارکی باشند که نشان دهد که بیماری شان در کشور خود قابل پیشگیری نبوده ولی در کشوری که در آن قصد تقاضای اقامت دارند قابل پیشگیری باشد؛ اما با این حال مراحل بسیار پیچیده و دشواری دارد.

### سؤال: از چه نوع ویزاهایی برای ورود به اتحادیه اروپا استفاده می‌شود؟

**عبدالله اسدی:** از طریق اخذ ویزای تحصیلی، تجارتي و گروهی. متقاضیان ویزا می‌توانند با اخذ ویزای شنکن به تمامی کشورهای عضو محدوده شنکن سفر کنند.

### سؤال: شنکن و قرارداد شنکن چیست؟

**عبدالله اسدی:** شنکن نام شهری است در لوکزامبورگ، محلی که این قرارداد در ۱۴ ژوئن سال

۱۹۸۵ میلادی در آنجا بسته شد هدف از عقد این قرارداد در آن زمان این بود که ساکنین کشورهای اروپایی بتوانند در این محدوده به طور آزاد رفت و آمد کنند. توافق کشورهای عضو پیمان شنگن این بود که ایستگاه‌های بازرسی مرزی برداشته شود و ساکنین کشورهای عضو این پیمان بدون نیاز به ویزا آزادانه در آن رفت و آمد کنند. این معاهده در عرشه کشتی روی رودخانه "ماسل" نزدیک شهری به نام "شنگن" در کشور لوکزامبورگ به امضای کشورهای آلمان، فرانسه، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ رسید و در ۳ اکتبر سال ۱۹۹۰ میلادی پس از اتحاد آلمان شرقی و غربی، مجدداً با امضای آلمان متحد تکمیل شد.

### سؤال: محدوده شنگن از چه کشورهایی تشکیل شده است؟

**عبدالله اسدی:** این کشورها ابتدا عبارت بودند از این ۲۴ کشور: آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ، سوئد، نروژ، فنلاند، دانمارک، لیتوانی، لتونی، لهستان، مجارستان، اتریش، استونی، اسلواکی، اسلونی، چک، ایسلند، مالت و یونان. در سال ۲۰۰۹ میلادی چهار کشور قبرس، بلغارستان، رومانی و سوییس نیز به طور کامل مفاد این پیمان را قبول کردند و رسماً وارد پیمان شنگن شدند.

### سؤال: ویزای شنگن چیست؟

**عبدالله اسدی:** ویزای شنگن مخصوص کسانی است که قصد دارند به کشورهای محدوده شنگن وارد شوند. این ویزاها معمولاً دارای دو تاریخ مشخص هستند، یکی تاریخ اعتبار ویزا و دیگری تعداد روزهای مجاز برای اقامت در محدوده شنگن. تعداد روزهای مجاز حداکثر ۹۰ روز است. اگر تاریخ اعتبار ویزای شما گذشته باشد حتی اگر تعداد روزهای مجاز ویزای شما هنوز باقی مانده باشد، ویزای شنگن شما باطل تلقی می‌گردد. همچنین تعداد مجاز دفعات ورود شما به محدوده شنگن در ویزای شما توسط یک کد مشخص می‌شود. این کد می‌تواند ۱-۲ یا ارقام بالاتر و یا نامحدود باشد. کد ۱ به معنی یک بار ورود است؛ یعنی پس از یک بار ورود و خروجتان از شنگن، ویزایتان بدون توجه به تاریخ اعتبار و روزهای مجاز باطل خواهد شد. کد ۲ و ارقام بالاتر به معنی آن است که به دفعاتی که در ویزای شما مشخص شده می‌توانید به شنگن وارد شوید و پس از استفاده از تعداد دفعات مجاز ورود، ویزایتان بدون توجه به تاریخ اعتبار و روزهای مجاز باطل خواهد شد. کد نامحدود (Maltipoo) به معنی ورود نامحدود به محدوده شنگن است و شما می‌توانید در مدت اعتبار ویزا و تعداد روزهای مجاز ویزایتان به شنگن وارد و از آن خارج شوید.

### سؤال: ویزای شنکن در چند نوع صادر می شود؟

**عبدالله اسدی:** ویزای شنکن در چهار نوع صادر می شود. نوعی از آن ویزای ترانزیت است؛ یعنی مسافر حق خروج از فرودگاه را ندارد و می تواند فقط در یکی از فرودگاههای شنکن پرواز خود را تعویض و راهی کشوری در خارج از شنکن شود. به این نوع ویزاها ویزای نوع A گفته می شود. ویزای نوع B برای عبور است؛ یعنی مسافر حق خروج از فرودگاه را دارد و می تواند از شنکن به عنوان منطقه عبوری استفاده نماید و خود را به کشور دیگری خارج از محدوده شنکن برساند. ویزای نوع C ویزای توریستی است که بسیاری از ایرانیان از طریق آن وارد شنکن می شوند. ویزای نوع D ویزای بلندمدت است که معمولاً تجار و بازرگانان از آن استفاده می کنند تا بتوانند در طی سال بارها به شنکن وارد و از آن خارج شوند.

### سؤال: حداکثر میزان مجاز استفاده از ویزای شنکن چگونه است؟

**عبدالله اسدی:** اگر بخواهید بیش از ۹۰ روز در محدوده شنکن بمانید، نیازی به تمدید ویزای شنکن نخواهید داشت. در چنین صورتی دارنده ویزا می تواند درخواست اقامت بدهد و از طریق سفارت آن کشور در کشور محل اقامت خود پیگیری پروسه اقامتی خود شود. نکته دیگر این است که چنانچه از ۹۰ روز اقامت خود در محدوده شنکن استفاده کرده باشید، باید به مدت ۳ ماه خارج از محدوده شنکن بمانید تا بتوانید مجدداً ویزای شنکن را دریافت کنید. البته دریافت ویزای یکساله شنکن هم غیرممکن نیست.

**سؤال:** آیا دارندگان ویزای شنکن می توانند بدون هیچ محدودیتی به محدوده شنکن وارد و از آن خارج شوند؟

**عبدالله اسدی:** نه گاهی اوقات حتی با داشتن ویزای شنکن، مرزبانان این حق را دارند که از ورود دارندگان ویزا به محدوده شنکن جلوگیری نمایند. برای مثال اگر شما ویزای شنکن خود را از لهستان دریافت کرده باشید ولی از ایتالیا وارد شنکن شوید مقامات مرزی شنکن در ایتالیا می توانند به شما اجازه ورود ندهند و شما را به خارج از محدوده شنکن اخراج کنند. خوب است که مسافران هنگام ورود به محدوده شنکن آمادگی پاسخ به سؤالات احتمالی از جمله هدف از سفر، آدرس محل اقامت و مدارکی دال بر توانایی پرداخت هزینههای

اقامت را داشته باشند.

**سؤال:** ساده ترین راه برای اخذ ویزای شنکن چیست؟

**عبدالله اسدی:** اخذ ویزای نوع C از طریق تور مسافرتی ساده ترین راه برای گرفتن ویزای شنکن است ولی لازم است متقاضیان ویزا آخرین پرینت حساب بانکی خود، پرینت آخرین فیش حقوقی، چک بانکی در وجه آژانس و یا سند ملکی به نام خود را از قبل آماده کرده باشند تا ضمانت برگشتشان از سفر، مورد تأیید سفارتخانهها قرار بگیرد. از راههای دیگر دریافت دعوت نامه رسمی جهت بازدید از بستگان، دریافت دعوت نامه از یک شرکت معتبر مبنی بر حضور در یک نمایشگاه بین المللی و ... می باشند.

**سؤال:** هزینه زندگی در دوران پناهندگی به چه صورتی است؟

کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان اکنون در بسیاری از کشورهای جهان به پناهجویان تحت پوشش خود، کمک هزینه پرداخت نمی کند. حتی اکنون بسیاری از کشورهایی که قرارداد سازمان ملل متحد موسوم به کنوانسیون پناهندگی را امضاء کرده اند به متقاضیان پناهندگی کمک هزینه ای پرداخت نمی کنند. آلمان، سوئیس، انگلیس، هلند، بلژیک، دانمارک، نروژ، فنلاند و سوئد تنها کشورهایی هستند که هنوز در پروسه پذیرش پناهندگی به پناهجویان کمک هزینه پرداخت می کنند.



## مکاتبات فدراسیون با دولت‌ها، سازمان ملل و ادارات مربوط به امور پناهندگی

آنچه در زیر ملاحظه می‌کنید فقط چند نمونه از صدها نمونه از نامه‌های فدراسیون به دولت‌ها و سازمان ملل و ادارات مربوط به امور پناهندگی و سازمانهای بشردوستانه و مدافع حقوق پناهندگی است.

\* \* \* \* \*

نامه فدراسیون به دولت و اداره مهاجرت سوئد  
رونوشت به: سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی  
در مورد تحصن پناهجویان در گوتنبرگ سوئد

حتما اطلاع دارید که گروه بزرگی از پناهجویان ایرانی که از ۱ تا ۱۰ سال است در سوئد زندگی می‌کنند در مرکز شهر گوتنبرگ از اول مارس ۲۰۱۱ دست به تحصن زده‌اند و بسیاری از دیگر پناهجویان در همین شهر نیز به آنها پیوسته‌اند. خواسته‌های پناهجویان متحصن این است که اداره مهاجرت اجازه دهد آنها در سوئد بمانند و تقاضای پناهندگیشان برسمیت شناخته شود. این پناهجویان کسانی هستند که از سوی رژیم ایران تحت تعقیب و پیگرد قانونی بوده‌اند. آنچه که در طول ۳۲ سال گذشته رژیم اسلامی بر سر مردم ایران آورده است از هیچ کس پوشیده نیست. مردم در ایران هر روزه به دلایل متعددی از سوی دستگاههای قضایی و امنیتی تحت تعقیب و پیگرد قانونی قرار می‌گیرند و در پی آن بسیاری از مردم مجبور به ترك ایران می‌شوند ولی متاسفانه کمترین توجهی به حقوق انسانی آنها از سوی دولت سوئد و اداره مهاجرت این کشور نمی‌شود و تقاضای پناهندگی پناهجویان یکی پس از دیگری رد می‌شود.

اداره مهاجرت سوئد باید متوجه این مسئله باشد که این پناهجویان بهترین دوران سنی خود را در بدترین شرایط در سوئد سپری می‌کنند و از هر نظر تحت فشارهای روحی و روانی قرار دارند. بیکاری و وضعیت بد اقتصادی و نداشتن اجازه کار از يك طرف و از طرف دیگر ترس همیشگی از بازداشت و دیپورت به ایران، اکثر این پناهجویان را به مرز دیوانگی رسانده است. هر کدام از این پناهجویان تاکنون چندین بار از اداره مهاجرت درخواست رسیدگی مجدد به پرونده‌های خود کرده‌اند ولی هر بار عمدتا به دو دلیل به آنها پاسخ منفی داده

شده است. پاسخهای منفی اداره مهاجرت به این دسته از متقاضیان پناهندگی عمدتاً عبارتند از اینکه: "یک، شما نتوانسته اید دلایل جدیدی به اداره مهاجرت ارائه دهید و دوم اینکه، مدارک و دلایل شما نشان نمی دهد جان و زندگی‌تان در ایران در خطر بوده باشد. از این نظر ارزیابی اداره مهاجرت از پرونده شما این است که رژیم ایران هیچ علاقه ای به تحت فشار گذاشتن شما نخواهد داشت." از گفته ها و دلایل اداره مهاجرت به متقاضیان پناهندگی از ایران اینطور بر میآید که گویا آن هزاران نفری که جمهوری اسلامی در طول این چند سال به جوخه اعدام سپرده و یا زیر شکنجه های وحشیانه به سکوت واداشته است همه از سران اپوزیسیون سرنگونی طلب در ایران بوده اند! ولی همین دولت سوئد بارها شاهد اخبار اعدام کسانی بوده که در هیچ تشکل و سازمانی سابقه عضویت و فعالیت سیاسی نداشته اند.

اداره مهاجرت سوئد اطلاع دارد که به دنبال انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در ایران، مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی به خیابان آمدند ولی در مقابل، رژیم بارها تظاهرکنندگان را به گلوله بسته و در پی آن شمار زیادی کشته و زخمی شدند و بسیاری از دستگیر شدگان را نیز زیر شکنجه به قتل رساندند و به زندانیان سیاسی تجاوز جنسی کردند. اداره مهاجرت و دولت سوئد از وضعیت موجود در ایران بی خبر نیست. دولت سوئد به خوبی بر این واقعیت آگاه است که رژیم ایران همیشه در حق مخالفین خود با خشونت تمام رفتار کرده است به طوری که جان هیچ مخالفی در ایران در امان نیست. بازتاب جنایت و وحشیگری رژیم اسلامی علیه مردم ایران از سوی بسیاری از نهادهای مدافع حقوق بشر به عنوان جنایت علیه بشریت شهرت یافته است. هم اکنون هزاران نفر در زندانهای جمهوری اسلامی زیر سختترین شکنجه ها و چه بسا بسیاری از آنها حکم اعدام دریافت کرده اند. از این رو لازم است دولت سوئد بر مبنای شرایط حاضر در ایران سیاست پناهندگی خود را جهت پذیرش بیشتر متقاضیان پناهندگی از ایران تغییر دهد و در عین حال اعلام کند که هیچ پناهجوی ایرانی در معرض خطر دیپورت به ایران قرار نخواهد گرفت.

مقامات سوئد باید این حق را برای پناهجویان ایرانی برسمیت بشناسد و به خواسته های آنها به عنوان خواسته های برحق و انسانی نگاه کند. پناهجویانی که سالهاست از ایران فرار کرده اند و در سوئد با هر شکلی و با هر شرایطی که بوده کنار آمده اند در صورت بازگشت به ایران نیز نه تنها امنیت جانیشان در خطر قرار می گیرد، از نظر معیشتی نیز در ورطه نابودی قرار خواهند گرفت؛ چراکه جدا از اختناق سیاسی که بر مردم آن کشور تحمیل کرده اند ۷۰ درصد از همان مردم در حال حاضر زیر خط فقر زندگی می کنند به همین دلیل

پناهجویان جوانی که ۷-۸ سال پیش به سوئد آمده اند به هیچ وجه نمی توانند زندگی خود را با آن شرایط منطبق کنند.

سؤال اینجاست، آیا مسئولین اداره مهاجرت و دولت سوئد هیچ به این فکر کرده اند پناهجویانی که اکثراً جوان هستند و از ۵ تا ۱۰ سال است در سوئد زندگی می کنند در صورت بازگشت به ایران چگونه می توانند زندگی خود را با شرایط کنونی در آن کشور عادت بدهند؟ فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی شرایط کنونی در ایران را از روی حدس و گمان تصویر نمی کند بلکه از روی آنچه که مقامات جمهوری اسلامی و رسانه های وابسته به خود رژیم که حتی يك صدم آنچه که اتفاق می افتد منعکس نمی کند تصویر می کند. تا زمان انتشار این بیانیه ۱۳ روز از تحصن پناهجویان ایرانی در گوتنبرگ می گذرد بی آنکه از سوی این اداره کوچکترین عکس العملی نشان داده شده باشد. از این رو فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از دولت سوئد می خواهد که با توجه به توضیح شرایط کنونی در ایران و طولانی شدن پروسه زندگی این دسته از پناهجویان در سوئد به هر شکلی که دولت سوئد خود مناسب می بیند به این پناهجویان اجازه دهند در سوئد بمانند و حق پناهندگی آنها را برسمیت بشناسند.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد

۱۸ مارس ۲۰۱۱

پاسخ اداره مهاجرت به فدراسیون

شماره ۱۴۸۵۷-۲۰۱۱-۳۳

اداره کل مهاجرت

تاریخ: ۲۰۱۱/۵/۳۰

کارل بکسلویس

تلفن: ۰۱۰ ۶۸۶۱-۴۸۵

به عبدالله اسدی از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد

صندوق پستی ۱۱۱۰۳

گوتنبرگ ۴۰۴۲۳

باسلام



اداره مهاجرت نوشته مورخ ۱۸ مه شما را درباره آکسیونهایی که تعدادی از ایرانیان از مارس سال جاری به این سو برگزار کرده اند دریافت کرد.

مقدمتاً باید گفت که اداره مهاجرت خود را در نگرانی شما در مورد اوضاع مربوط به حقوق بشر در ایران، به ویژه به خاطر تحولات منفی در این زمینه، سهیم میدانند. سالانه صدها نفر در ایران اعدام میشوند، خصوصاً بنا به دلایل سیاسی. به علاوه، تعداد اعدامیها در سال ۲۰۱۱ به نحو چشمگیری افزایش یافته است. اینکه انسانها به خاطر عقاید سیاسی خود اعدام میشوند، طبعاً بیانگر جامعه ای است که در آن دگر اندیشی و آزادی عقیده نیز به شدت محدود است.

همین واقعیت، یعنی شرایط غالباً سخت در ایران، است که مبنای رسیدگی اداره مهاجرت به پرونده های جداگانه را تشکیل میدهد. وضعیت بحرانی حقوق بشر در ایران موجب شده که به بسیاری از پناهنجویان ایرانی در سوئد پناه داده شود. پیامد وخامت تدریجی وضعیت حقوق بشر در ایران این بوده که ۳۰ درصد از متقاضیان پناهندگی ایرانی اجازه اقامت میگیرند، درمقایسه با ۸ درصد قبولی در سال ۲۰۰۰.

وظیفه اداره مهاجرت حراست از حق پناهندگی است. معنای این مأموریت برای ما از جمله این است که در موارد مربوطه برای کسانی که واجد این حق هستند محافظت بین المللی صادر شود. ضوابطی را که اداره مهاجرت باید به اجرا بگذارد، مبنایشان بالاخص کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو (کنوانسیون پناهندگی) و کنوانسیون اروپا در مورد حقوق بشر است. سوئد متعهد شده که از رویه ای که دادگاه حقوق بشر اروپا تعیین میکند پیروی کند، و اداره کل مهاجرت (و دادگاه های مهاجرت) هنگام بررسی تقاضای پناهندگی کتابچه راهنمای کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی را به کار میبندد.

بدین نحو، بررسی اداره کل مهاجرت و دادگاههای سوئد در مورد این که آیا نیازی به محافظت بین المللی هست بر مبنای حقوق بین الملل استوار است. سؤالی که این بررسی باید پاسخ دهد این است که آیا فرد متقاضی در صورت بازگشت به زادگاهش در خطر پیگرد، مرگ، شکنجه و یا رفتاری که باید از گزند آن محافظت شود قرار خواهد گرفت یا نه. این اصل بین المللی درباره بررسی فردی بدین معناست که تمرکز روی فرد قرار دارد و نه روی گروه تا بتوان تمام آن دلایل شخصی ای که هنگام تسلیم درخواست پناهندگی ممکن است بدانها استناد شود را در نظر گرفت.

اداره مهاجرت ملزم است مقرراتی که در قانون اتباع بیگانه ذکر شده و رویه ای که دادگاههای سوئد تعیین میکنند را در این بررسی فردی رعایت کند. همچنین اداره مهاجرت به شیوه ای که فوقاً شرح داده شد، از خط مشی های بین المللی درباره این که چگونه تقاضای پناهندگی باید ارزیابی شود پیروی میکند. یعنی این که مثلاً پناهجو مجبور نیست که مدارک کتبی ارائه کند تا به عنوان پناهنده قضاوت شود. در عوض اصل بر سنگینی کفه به نفع تردید است، بدین معنی که چنانچه طلب مدرک غیرمنطقی باشد و روایت متقاضی حاوی ضدونقیض های بزرگ غیرقابل توضیح نباشد، با وجود این اطلاعات ارائه شده باید پذیرفته شود. همچنین نیازی نیست که پناهجو تأییدی دال بر این که در صورت بازگشت تحت پیگرد قرار خواهد گرفت ارائه کند. کافی است که چنین خطری احتمال برود.

تمام بررسیهای انجام شده توسط اداره مهاجرت روی کیسهای پناهندگی، در مراجع بالاتر قابل بررسی است. از سال ۲۰۰۶ به این سو دادگاه سوئد میتواند ارزیابی اداره کل مهاجرت را، در بعضی از موارد در دو مرجع، مورد بررسی قرار دهد. این در مورد پناهجویان ایرانی، اساساً به نحوی انحصاری، بدان معنی است که پناهجوی اهل این کشور میتواند تا زمانی که دادگاه مسئله محافظت بین المللی را حل و فصل کند در سوئد باقی بماند.

در صورتی که دادگاه سرانجام بر تصمیم اداره کل مهاجرت صحه بگذارد، فرد خارجی باید طبق ضوابط مقرر سوئد را ترك کند. دادگاه سوئد این وظیفه پناهجو را در چندین مورد تأیید کرده است.

همچنین شایان توجه است که اداره کل مهاجرت مجاز به تغییر حکم تعیین شده از سوی دادگاه نیست. این موضوع که شما هم در نامه تان ذکر کرده اید کاملاً درست است که حکم ردی و یا اخراجی، از تاریخی که به مرحله اجرا گذاشته میشود، به مدت چهارسال معتبر است. این امر از قانون اتباع بیگانه ناشی میشود. گاهی ممکن است در طی این مدت دلایل جدیدی مطرح شود که نه اداره کل مهاجرت و نه دادگاه امکان بررسی آنها را نداشته است.

دولت و مجلس تصریح کرده اند که موافقت با صدور اجازه اقامت هنگام بررسی این مسائل جدید در موارد استثنائی میتواند مطرح باشد و فقط در صورتی که مانعی برای اجرای حکم دیپورت وجود داشته باشد. به عنوان مثال اگر کشور متبوعه از پذیرش فرد اخراجی امتناع ورزد، اجازه اقامت میتواند صادر شود. با این حال، قانونگذار و روال کار در این زمینه صراحت دارند که علت خودداری کشور مربوطه از پذیرفتن آن فرد

خارجی نباید مربوط به عدم همکاری اخراجی، مثلاً در تهیه مدارك سفر، باشد.

دلایل پزشکی نیز میتواند مانع از اجرای حکم دیپورت باشد و از این رو، با اجازه اقامت باید موافقت شود. برای آن که چنین مانعی نخواهد در راه اجرای حکم دیپورت بر مبنای ذکرشده وجود داشته باشد، فرد خارجی باید طبق ضوابط موجود چنان بیمار باشد که اجرای حکم مقرر نباشد. همچنین در صورتی که دلایل جدیدی پیدا شود که اجرای حکم اخراج در مورد مربوطه منطقی نباشد، امکان موافقت با اجازه اقامت هست.

هنگامی که اظهار میشود کسی در صورت بازگشت مورد پیگرد، مرگ و یا برخورد دیگری از آن قبیل که در فوق شرح داده شد قرار خواهد گرفت (که در بیشتر موارد مربوط به اتباع ایرانی چنین است)، این دلایل نیز میتواند توسط اداره مهاجرت بررسی شود. در صورتی که اداره مهاجرت چنین اظهاری را رد کند، آنگاه دادگاه میتواند دلایل مربوطه را بررسی کند.

شما در نوشته تان نقش وکلا در مراحل بررسی تقاضای پناهندگی را نیز مطرح کرده اید. دولت و مجلس تصویب کرده اند که تحت شرایطی تعیین وکیل در جریان رسیدگی به تقاضای پناهندگی به عهده اداره مهاجرت است. برای آن که حقوق فرد رعایت شود، نقش وکیل در تمام مراحل رسیدگی به تقاضای پناهندگی بسیار مهم است. نمیتوان از فرد انتظار داشت که این امر را به طور کامل درک کند که چه تکالیفی در جریان تقاضای محافظت بین المللی اهمیت دارد. اداره کل مهاجرت و وکیل مدافع مشترکاً مسئولیت دارند که توجه کنند که دلایل مربوط به کیس در جریان تحقیق مطرح شود. طبعاً هم به نفع خود متقاضی و هم به نفع اداره مهاجرت است که وکیل مدافع از چنان قابلیت و مهارتی برخوردار باشد که دلایل مهم برجسته شوند. ضعف مشاور حقوقی و یا وکیل در انجام وظیفه، در غالب موارد، به معنای کار اضافی برای اداره مهاجرت است، زیرا موجب پیچیدگی در امر رسیدگی میشود. اداره مهاجرت دائماً تلاش میبرد که کیفیت کار مشاوران حقوقی ای که به عنوان وکیل برمیگزینند را تشبیه کند و روالی را تنظیم کرده تا وکلای نامناسب برای انجام این وظیفه را شناسائی کند. این امر بدان جهت صورت میگیرد که کیفیت کار در جریان رسیدگی به تقاضای پناهندگی تضمین شود. اداره مهاجرت در مورد این مسائل به طور منظم با کانون وکلا تماس دارد.

وضعیتی که بسیاری از پناهیویان سابق تبعه ایران در آن قرار دارند مسئله ساز است. قانون در این مورد صراحت دارد که هنگامی که تقاضای پناهندگی و اجازه اقامت فرد مورد رسیدگی نهائی قرار گرفته باید سوئد را ترك کند. باقی ماندن در کشور با وجود این و به مدت طولانی طبعاً برای فرد و خانواده اش متضمن

فشارهای روحی است. اداره مهاجرت در بررسی هر يك از موارد جداگانه تلاش می‌ورزد که از حقوق بشر، در چارچوبهایی که مقررات مربوطه مجاز می‌شمارد، حراست کند و همچنین خاطر نشان می‌کند که نامه شما دریافت کنندگان دیگری هم دارد.

با سلامهای دوستانه

کارل بکسلیوس

دبیر بخش برنامه ریزی اداره مهاجرت سوئد

\*\*\*\*\*

این پاسخ اداره کل مهاجرت سوئد به نامه مورخه ۱۸ ماه مه ۲۰۱۱ فدراسیون در مورد تحصن و اعتصاب غذای پناهجویان ایرانی در سوئد بود. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در طول تحصن و اعتصاب غذای پناهجویان در سوئد در نامه هایی به تاریخ ۱۶ مارس و ۱۱ و ۱۸ ماه مه به اداره مهاجرت و کمیته تامین اجتماعی در مجلس، ضمن تشریح و توضیح وضعیت پناهجویان و دلایل اعتراض آنها، از اداره مهاجرت خواسته بود در اسرع وقت به پرونده این پناهجویان رسیدگی کند و بر طبق وضعیت جدیدی که برای آنها پیش آمده است به این پناهجویان اجازه اقامت داده شود. در واقع این پاسخ اداره کل امور مهاجرت سوئد به نامه ۱۸ ماه مه فدراسیون است که متن فارسی آن در تجمع روز شنبه ۱۴ ماه مه ۲۰۱۱ در مقابل چادر تحصن پناهجویان در شهرگوتنبرگ توسط فلورت معارفی از فعالین وقت فدراسیون خوانده و ترجمه سوئدی آن در ۱۸ ماه مه به اداره مهاجرت فرستاده شد.

## آلمان سال ۹۹

در ماه‌های اکتبر و نوامبر سال ۹۹ میلادی پلیس آلمان در شهر نورنبرگ با توسل به زور چهار زن ایرانی بنام های رویا مصیبی، لاله سعادت، نصرت حاج سلطانی و زهره فیروزان را وادار کرد با حجاب اسلامی جهت بازگرداندن به ایران عکس بگیرد تا بعد از تکمیل پرونده هایشان در سفارت جمهوری اسلامی آنان را به ایران دیپورت کند. در این مورد توجه خوانندگان را به بخش کوتاهی از مصاحبه خانم رویا مصیبی که در سال ۹۹ میلادی با نشریه همبستگی داشته و همچنین نامه فدراسیون به وزیر کشور آلمان جلب می‌کنم. رویا می گوید: در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۹۹ حدود ساعت ۹ صبح چند مامور پلیس به اتاقم ریختند و مرا به زور به اداره پلیس در محل میدان یاکوب بردند. در آنجا به من گفتند یا خودت با دستهای خودت روسری را می گذاری تا

ما بتوانیم با حجاب از تو عکس بگیریم یا ما با توسل به زور با حجاب از تو عکس می‌گیریم! در جواب آنها گفتم این عمل شما بر خلاف میل من است و من کاملاً با آن مخالفم و حجاب سر کردن را عین دیوانگی می‌دانم من نمی‌خواهم بمیرم و زندگی را دوست دارم و می‌خواهم زندگی کنم! شما می‌خواهید يك آدم زنده را توی گور کنید. بعد از اعتراض من ۶-۵ پلیس بمن حمله کرده و مرا کشان کشان روی صندلی نشانند بطوری که مثل يك گوسفند خرخر می‌کردم! خانمی روسری سرم کرد و داد میزد که موهایش معلوم نباشد و از من عکس گرفتند. در نتیجه این حمله وحشیانه دست راست من دچار خون‌مردگی و دست چپم هم ضربه شدید دید و دور گردنم نیز بیش از ۱۵ روز کاملاً کبود بود.

**سامیه همکار وقت نشریه همبستگی از رویا مصیبی می‌پرسد:** آیا شما در پایان صحبت هایتان حرفی برای خوانندگان همبستگی دارید؟

**رویا:** بله من می‌خواهم با صدای بلند طوری که همه دنیا بشنود اعلام کنم که زن بودن در ایران جرم است در جمهوری اسلامی زن هیچ حق و حقوقی ندارد آزادانه اجازه نفس کشیدن و انتخاب شریک زندگی و طلاق و خلاصه هیچ کاری را ندارد. دولتهای جهان باید برای تمامی کسانی که نقض حقوق انسانی در زادگاهشان وجود دارد حق پناهندگی را برسمیت بشناسد. من دستم را به سوی مردم آزادیخواه و پناهجویان مبارز دراز می‌کنم و از آنان می‌خواهم که با هم جلوی پایمال شدن حقوق انسانی و حق پناهندگی را بگیریم. با هم از دولت‌های اروپایی بخواهیم که اخراج پناهجویان بلافاصله متوقف گردد و حق پناهندگی برای همه ایرانیان برسمیت شناخته شود.

\* \* \* \* \*

این هم بخشی از نامه ای است که فدراسیون واحد آلمان در آن زمان به وزیر کشور در فاع از حق پناهندگی زنانی است که پلیس آلمان خواسته است با توسل به زور برای روی پاسپورت آنها باحجاب عکس بگیرد و آنها را به جمهوری اسلامی تحویل دهد.

\* \* \* \* \*

نامه سرگشاده فدراسیون در دفاع از حقوق زنان پناهجویی ایرانی به آقای شیلی وزیر کشور آلمان در اعتراض به حمله پلیس شهر نورنبرگ به منزل مسکونی خانم رویا مصیبی و شکنجه زنان پناهجوی ایرانی در آلمان

## دولت آلمان را به دلیل نقض حقوق پناهندگی محکوم می کنیم

طی ماه گذشته پلیس آلمان در شهر نورنبرگ با توسل به زور، رویا مصیبی، لاله سعادت، نصرت حاج سلطانی و زهره فیروزان را وادار کرده است برای گرفتن عکس، حجاب اسلامی سر کند تا بعد از تکمیل پرونده هایشان در سفارت جمهوری اسلامی آنان را به ایران دیپورت کنند. وقتی که دیدند از این طریق موفق نمی شوند با جعل کامپیوتری عکسش را حجاب دار می کنند. در نامه وقت فدراسیون آمده است به سازمانهای مدافع حقوق بشر، اتحادیه های کارگری و آزادیخواهان! دولت آلمان را باید با یک مبارزه متشکل و جلب حمایت بین المللی از پناهجویان عقب راند نباید به این دولت اجازه داد با جان و آزادی پناهجویان ایرانی بازی کند. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی همه آزادیخواهان را فرا می خواند به صف مبارزه متشکل بپیوندند و سیاست های غیر انسانی پناهندگی دولت آلمان را محکوم کنند. خواستهای این کمپین به قرار زیر است:

۱- توقف دیپرت به ایران

۲- پناهندگی برای همه کسانی که از ایران گریخته اند از جمله برای پناهجویان یاد شده

۳- پناهندگی درجا برای این پناهجویان و تمام کسانی که بخاطر فالیت سیاسی در آلمان شناسایی شده اند

۴- تامین کمک هزینه اجتماعی پناهجویان.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایران

۲۳ دسامبر ۱۹۹۹

لازم به توضیح است پناهجویان نام برده در اثر همین مقاومت ها و مبارزاتی که برای نجات آنها صورت گرفت پرونده پناهندگیشان پذیرفته شد.

به آقای دان الیاسون دبیر کل اداره مهاجرت سوئد

با سلام

موضوع: پرونده ك - ف پناهجوی ایرانی

آقای دان الیاسون، قاعدتا شما باید به عنوان رئیس اجرائی این اداره در جریان وضعیت این پناهجوی ایرانی قرار گرفته باشید. او از ۸ آوریل ۲۰۱۰ در بازداشتگاه این اداره در "ماشتا" به سر می برد. وی ۵ سال پیش از اداره مهاجرت سوئد تقاضای پناهندگی کرد و این اداره به درخواست پناهندگی وی پاسخ رد داده بود.

من سالهاست فعال عرصه پناهندگی هستم و با سیستم داوری و قضاوت اداره مهاجرت و نحوه بررسی پرونده

ها در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا خصوصا سوئد آشنایی دارم و میدانم که اداره مهاجرت، پرونده افراد را به طور شخصی بررسی می کند و متقاضیان پناهندگی لازم است دلایل کافی برای اعلام پناهندگی خود ارائه دهند. از اینرو من در این نامه، وارد دلایل قبلی اداره مهاجرت برای رد درخواست پناهندگی وی نمی شوم. من از جانب فدراسیون از شما می خواهم که برطبق همان مقررات اداره مهاجرت و بر اساس دلایل و شرایط جدیدی که برای وی پیش آمده است تقاضا کنم که در درجه اول او را از بازداشتگاه آزاد کنید؛ چون اولاً خلاف قوانین و مقررات پلیس و اداره مهاجرت عمل نکرده است، پلیس به وی نامه داده بود و هنگام ملاقات با پلیس بازداشت شده است. همین یک نمونه کافی است تا از این به بعد هیچ پناهنجویی به دعوت پلیس برای ملاقات اعتنایی نکند و سر قرار حاضر نشود و مجبور گردد بجای رفتن به ملاقات پلیس به زندگی مخفی پناه ببرد. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی هم خود را در مقابل ناهنجاریهای اجتماعی جامعه سوئد مسئول می داند و در روند انتگره شدن پناهندگان و مهاجران در ۲۵ سال گذشته نقش بسیار فعال و مرتقی داشته است. از این نظر وادار کردن پناهنجویان به زندگی زیر زمینی نه تنها کمکی به پیشرفت و تعالی جامعه نخواهد کرد بزرگترین ضربه ای است به ارزشهایی انسانی در جامعه سوئد بویژه در زمینه پذیرش پناهندگی.

دوما وی در طول پنج سال گذشته به یک چهره سیاسی علیه رژیم ایران در خارج از کشور تبدیل شده است. اداره مهاجرت یا از این موضوع خبر ندارد یا اگر دارد خود را به بی تفاوتی زده است در حالی که روز جمعه ۱۶ آوریل بسیاری از ایرانیان در مقابل اداره مهاجرت در اعتراض به بازداشت .... دست به تظاهرات زدند و بالغ بر ۱۰ نفر از مدافعین حقوق پناهندگی و فعالین اپوزسیون ایران در مورد وضعیت وی و نقض حقوق بشر در ایران در آن تظاهرات سخنرانی کردند. فیلم این تظاهرات در سایت رادیو سوئد و بسیاری از سایتهای دیگر و رسانه های ایرانیان و در سایت یوتوب در ابعاد وسیعی منعکس شد. به علاوه تلویزیون صدای آمریکا در مورد وضعیت پناهندگی در اروپا ۳۵ دقیقه با من مصاحبه کرد و اولین سئوالش در مورد سرنوشت .... پناهنجوی بازداشتی در سوئد بود. لازم به ذکر است که این تلویزیون هنگام مصاحبه با من، تظاهرات ایرانیان در مقابل اداره مهاجرت سوئد در "سولنا" را هم به شکل بسیار برجسته ای نشان داد. من در آن مصاحبه به بسیاری از فعالیتهای وی اشاره کردم و گفتم که او شاعر و نویسنده است و یکی از مخالفین سرسخت جمهوری اسلامی میباشد و در بسیاری از رسانه های محلی و سراسری ایرانیان خارج کشور، علیه جمهوری اسلامی ظاهر شده و صدها نمونه از رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی را در گفته هایش عنوان کرده است.

وی پارسال در یکی از تظاهراتهای ایرانیان در استکهلم سخنرانی کرد و رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی را با

معترضان بشدت محکوم کرده و از جمهوری اسلامی به عنوان يك رژيم فاشیستی - مذهبی نام برد. رسانه های فارسی زبان ایرانیان در شهرهای گوتنبرگ و استکهلم نیز در همین مدت بازداشت وی چندین گفتگو با او انجام دادند که در صورت دیپورت به ایران فقط یکی از آنها کافی است تا جمهوری اسلامی یا برای همیشه او را در زندان نگاه دارد و یا مثل هزاران زندانی دیگر او را به جوخه اعدام بسپارد. همه این اسناد در سایتها قابل دسترس است و در صورت تمایل اداره مهاجرت به دریافت آنها در عرض ۴ ساعت کلیه آنها را ارسال خواهیم کرد. به علاوه وی تاکنون چند جلد کتاب نوشته است و هرکدام از این کتابها کافی است تا بجرم انتشار آنها او را مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دهند.

آقای دان الیاسون، من این نامه را جهت اثبات گفته های خود در مورد کیس ... به طور علنی منتشر می کنم چون بازداشت وی درست در دل اعتراضات مردم ایران و خواست قطع روابط سیاسی - دیپلماتیک سوئد با جمهوری اسلامی از سوی ایرانیان خارج کشور صورت گرفت و این مایه تعجب آنها شد و اعتراض به بازداشت وی همچنان ادامه دارد. جهت اطلاع (شاید شما از این مسئله آگاه نباشید!) ایرانیان مقیم سوئد بازداشت و دیپورت پناهجویان را به ایران نشانه شریک شدن دولت سوئد در نقض خواسته های اساسی مردم ایران قلمداد می کنند.

من نمی دانم شما به یاد دارید یا نه ولی در اوج سرکوبهای سال گذشته و اعتراف گیری تلویزیونی از زندانیان سیاسی، تنها نماینده ای که در مراسم سوگند ریاست جمهوری احمدی نژاد شرکت کرد نماینده دولت سوئد بود. انتظار می رفت اداره مهاجرت و دولت سوئد به جای تحمیل این همه فشار و سختگیری بر پناهجویان ایرانی، حداقل در شرایط کنونی سیاست سخاوتمندانه و انسانی تری در قبال آنها اتخاذ می کردند. به هر حال، امیدوارم اداره مهاجرت بر مبنای این نامه کیس ... را در دستور فوری کار خود قرار دهد و به آن رسیدگی کند. با توجه به ذکر نکات فوق فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از اداره مهاجرت میخواهد که بر طبق اصل ۵۱ بند ۲ قانون کنوانسیون ژنو، وی تحت حفاظت قرار گیرد و اجازه اقامت ک-ف در سوئد برسمیت شناخته شود.

با احترام عبدالله اسدی

دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۸مآی ۲۰۱۰



.....  
 پاسخ رئیس اداره مهاجرت سوئد

به عبدالله اسدی

با تشکر برای نامه شما

من برای احساس مسئولیت شما در قبال پرونده ... و دیگر پناهندگان ایرانی علی العموم، احترام زیادی قائل هستم- همانطور که مطمئن می دانی من قاعدتا به پرونده های شخصی رسیدگی نمی کنم- ولی با توجه به اینکه شما از من در ارتباط با کیس ... درخواست کرده اید و به دشواریهای شرایط وی پرداخته اید، لذا من نامه شما را بعنوان يك دادخواست به واحد مسئول رسیدگی به پرونده ایشان تحویل داده ام-

با سلامهای صمیمانه

دان الیاسون

\* \* \* \* \*

لازم است اشاره کنم که تنها سه روز پس از دریافت این نامه وی از بازداشتگاه آزاد شد و چند هفته بعد اجازه اقامت گرفت. این چند نمونه از دهها نامه ای است که هر سال هنگام دستگیری و بازداشت پناهجویان به قصد دیپورت به ایران برای دولت ها و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نوشته شده است.

.....



## رئوس سیاست فدراسیون در مورد آنچه که "بحران" پناهندگی نامیده می شود

در روزهای پایانی نوشتن این جزوه بودیم که موج عظیم و کم سابقه ای از پناهجویان و آوارگان از سوریه، لیبی، عراق، شمال آفریقا و افغانستان ابتدا به طرف کشورهای جنوبی اروپا و سپس به طرف اروپای غربی به راه افتاد. بیشتر این پناهجویان با شروع جنگ داخلی در سوریه و یورش جریان اسلامی داعش و تصرف مناطق زیادی از عراق و سوریه در اطراف لبنان، اردن، ترکیه و درمرزهای عراق و سوریه در بدترین شرایط زندگی بسر می بردند. طبق آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تعداد آوارگان در آن مناطق به ۱۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر می رسد که هجوم دهها هزار نفر از آنها به طرف اروپا تنها بخش کوچکی از آنها را تشکیل می دهد.

صحنه های دلخراش از هجوم هزاران پناهجوی خانه به دوش و خسته و تشنه و گرسنه، و انعکاس تصویر جسد بیجان کودک سه ساله سوری و صحنه خفه شدن ۷۱ پناهجو در کامیونی در مرز اتریش و غرق شدن ۳۰۰۰ نفر در آب های مدیترانه و یونان در سال ۲۰۱۵ و بیرحمی و خشونت پلیس مجارستان و کشورهای دیگری که محل عبور پناهجویان گریخته از جنگ بودند، موجی از حمایت مردم در دفاع از آوارگان را به راه انداخت. موج قدرتمند این حمایت انسانی، دیوارهای آلمان و اتریش را شکست و دولت ها را وادار کرد

سیاست‌شان را لااقل در کوتاه مدت عوض کنند.

در حال حاضر و در این مقطع از تاریخ، تمرکز دولت‌های غربی و افکار عمومی جهان روی همین موج آوارگی از سوریه است و ظاهراً توجه خاصی به دیگر پناهنجویان از کشورهای دیگر معطوف نیست. هیچ نشانی هم از بازگشت امنیت به سوریه و کشورهایی که اشاره شد دیده نمی‌شود. جنگ‌های ارتجاعی و نا امنی‌های عمومی و فقر و محرومیت هر روز ابعاد بیشتری پیدا می‌کند؛ از طرف دیگر زندگی ۱۳ میلیون نفر آواره جنگی در منطقه بدلیل بی‌سرپناهی و عدم امکانات رفاهی و درمانی هر لحظه پر تلفات‌تر می‌شود. پس از پایان جنگ جهانی دوم و گذشت ۲۴ سال از پایان جنگ سرد این ابعاد از تراژدی انسانی بعنوان پناهنده بی‌سابقه بوده است.

این تجربه نشان داد همه ما مستقل از اینکه از کدام گوشه جهان آواره می‌شویم و با چه زبانی حرف می‌زنیم و متعلق و منتسب به کدام نژاد و مذهب می‌شویم، انسان هستیم و دارای ارزشهای برابر و انسانی هستیم. به همین اعتبار لازم است به هم کمک کنیم و سختی‌ها و دوران تلخ و شیرین زندگی را با هم تقسیم کنیم. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از زمان تشکیلش تا به امروز ظرف بسیار مهم و مناسبی برای دفاع از حقوق پناهنجویان بوده، راهنمای راه آنها برای متحقق کردن و رسیدن به یک زندگی بهتر بوده، در ابعاد زیادی مبارزه پناهنجویان را رهبری کرده، هزاران ساعت مشاوره به پناهنجویان داده، کمپین‌های بسیاری در حمایت از حقوق پناهندگان سازمان داده و مبلغ ایجاد روحیه جمعی در میان پناهنجویان و مشوق همبستگی با آنها بوده است. در این دوره رئوس کلی سیاست و عملکرد فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی این است که در درجه اول با شبکه‌های کمک‌رسانی به پناهنجویان ارتباط برقرار کند و از نزدیک به بهبود وضعیت پناهنجویانی که در شرایط اضطراری هستند کمک کند. برای دسترسی به این شبکه‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی میتوان برنامه ریزی و سازماندهی کرد و در ایستگاههای مرکزی قطار و ترمینال‌های اتوبوس و در شهرها و کشورهایی که دفاتر اداره مهاجرت هست به کمک آنها شتافت. فعالین و واحدهای فدراسیون لازم است با این شبکه‌ها ارتباط برقرار کنند و در روند رسیدگی و سر و سامان دادن به امور پناهندگان نقش ایفا کنند و در ائتلاف‌های زیادی که این روزها برای دفاع از حقوق پناهندگان شکل گرفته است شرکت فعال داشته باشند.

نکته دوم این است که تلاش کنیم همه جا پرچم بازگشایی مرزها به روی پناهنجویان را بدست بگیریم دولت‌ها و

سازمان ملل متحد را تحت فشار قرار بدهیم و در مصاحبه با رسانه های مختلف و از طریق شرکت در تظاهرات های حمایت از پناهجویان خواستار لغو موانع مرزی بر روی پناهجویان شویم. سوم باید گفت، موج پناهندگی از خاورمیانه، در نتیجه سیاست های ضد انسانی دولت آمریکا و اتحادیه اروپا در منطقه صورت گرفته و خود آنها باید جوابگوی این فاجعه انسانی باشند. باید گفت، اگر نمی خواهند صدها هزار پناهجوی دیگر در نتیجه این جنگ های ویرانگر به اروپا هجوم بیاورند راه حلش نه نگاهداری دولت اسد است و نه گروهها و دستجات اسلامی دیگر که با اسد می جنگند. راه حل این است که از خواسته ها و مطالبات و مبارزات برحق و آزادیخواهانه مردم سوریه دفاع کرد. باید سازمان ملل و شورای امنیت را موظف کرد زندگی و امنیت میلیون ها پناهنده را که در اطراف سوریه و کشورهای همجوار که در بدترین شرایط بسر می برند تضمین و تامین کنند. باید دولت های غربی را تحت فشار گذاشت تا به کلیه پناهندگانی که وارد دروازه اروپا می شوند اجازه اقامت بدهند و کلیه آنها از امکانات زندگی برخوردار شوند.

نکته چهارم مبارزه علیه راسیسم است؛ راسیسم و بیگانه ستیزی در اروپا دارد زهر ضد خارجیگری می ریزد و می خواهد مانع ورود پناهجویان به اروپا شود. یک رکن کار همیشگی فدراسیون مبارزه علیه راسیسم و نژادپرستی بوده است و در این مقطع باید فعالانه تر از هر دوره ای علیه راسیسم و نژاد پرستی به میدان بیاییم. همبستگی عظیم و کم سابقه مردم اروپا در دفاع از پناهجویان پاسخ بسیار محکمی به نژاد پرستی و احزاب دست راستی هم بود. فدراسیون باید برای تحکیم و گسترش این جنبش قدمهای بیشتر و عملی تری به جلو بگذارد، با نهادهای ضد راسیسم و بشر دوست و مدافع حقوق پناهندگان رابطه اش را گسترش بدهد و در تشکیل جلسات و متینگ ها و تصمیم گیری ها دخالت مستقیم و تاثیرگذار داشته باشد.

نکته پنجم موضوع انتگراسیون است. تجربه نشان داده است همین فشارهای راسیستی خود به عاملی برای جذب برخی پناهندگان به سازمانها و گروههای اسلامی و ناسیونالیستی و قومی تبدیل میشوند. نباید اجازه دهیم دولت های غربی برای تدریس مذهب و مسجد و منبر، پول و امکانات دولتی اختصاص دهند چرا که گروههای اسلامی با این پول و امکانات به افکار داعشی و قانون شریعه و گسترش فرهنگ محجبه گری برای زنان، شکل فرهنگی و سیاسی و سازمانی می دهند و روزی هزار بار علیه افکار چپ و سکولاریسم و ارزش های مترقی و برابر تحریک میکنند و در عمل زمینه رشد راسیسم را بیشتر فراهم میکنند. به همین دلیل مبارزه برای انتگره شدن پناهندگان در جوامع غربی یک عرصه مهم از فعالیت فدراسیون محسوب می شود.

## فراخوان فدراسیون به پناهجویان ایرانی

پناهجویان ایرانی به همان اندازه که به نهادی مثل فدراسیون برای رسیدن به یک زندگی بهتر نیاز دارند فدراسیون هم به همان اندازه به تشدید نیرو و توان و ظرفیت تشکیلاتی نیاز مبرم دارد و لازم است عمده ترین نیروی خود را از میان کسانی بگیرد که مشکلات دوره پناهندگی را با گوشت و پوست لمس میکنند.

قدرت سازمانی و نفوذ کلام و اعتبار اجتماعی فدراسیون و فعالیت های لابی ایستی و تخصصی و ادامه کاری اش به این گره خورده که در هر کمپ و شهر و کشوری که هستید با فدراسیون تماس بگیرید، واحدهای فدراسیون را ایجاد کنید، شروع به سازماندهی پناهندگان اطراف خود بکنید، فرم عضویت این سازمان را پر کنید و در فعالیت های فدراسیون خود را شریک و سهمیم بدانید. برای رسیدن فدراسیون به این موقعیت لازم است هزاران نفر عضو آن شوند و صدها نفر بعنوان فعالین آن در عرصه های مهم فعالیت اعم از کار سازماندهی، مشاوره های تخصصی، تشکیل تیمهای ترجمه، تبلیغ و نوشتن برای نشریه همبستگی با آن دست همکاری بدهند. ارتباط با سازمانهای دولتی و غیر دولتی و حضور فعال در کمپین های سیاسی علیه سیاست های سختگیرانه و غیر انسانی دولت ها و مبارزه علیه راسسیم و نژادپرستی عرصه های مهمی از فعالیت فدراسیون هستند.

برخورداری ما پناهجویان از حق دارا بودن یک زندگی انسانی در گرو مبارزه متشکل همه ماست.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵





در جزوه راهنمای پناهندگی تلاش زیادی به عمل آمده تا تصویر نسبتاً روشنی از آنچه که کارمندان دولت در زمینه‌های مختلف از متقاضیان پناهندگی می پرسند پاسخ بدهم. توجه داشته باشید که شماره بندی سؤالات نشان دهنده درجه اهمیت آن‌ها نیست. آنچه شما به عنوان پناهنده باید به آن دقت کنید این است که داستان زندگی

خود را آن گونه که لازم است توضیح دهید و به هم وصل کنید. تلاش کنید که آنچه را که تعریف می کنید از روی نظم و ترتیب زمانی باشد تا برای کارمندان دولت و وکلای پناهندگی قابل فهم باشد. ترجیحاً آنچه می خواهید به عنوان دلایل پناهندگی خود مطرح کنید از قبل بنویسید تا چارچوب دلایل و توضیحاتتان برای خود و برای وکلا و مسئولین پرونده روشن و قابل فهم باشد.

## عبدالله اسدی

دبیر همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

